



آزمون‌های سراسری گاج

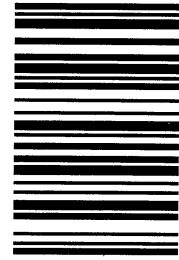
گزینه‌دوستان را انتخاب کنید.

سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷

پاسخ‌های تشریحی

پایه دوازدهم انسانی

دوره دوم متوسطه



دفترچه شماره ۳

آزمون شماره ۱۷

جمعه ۹۷/۱۲/۰۳

شماره داوطلبی:	نام و نام خانوادگی:
مدت پاسخگویی: ۲۶۰ دقیقه	تعداد سؤالاتی که باید پاسخ دهید: ۲۸۰

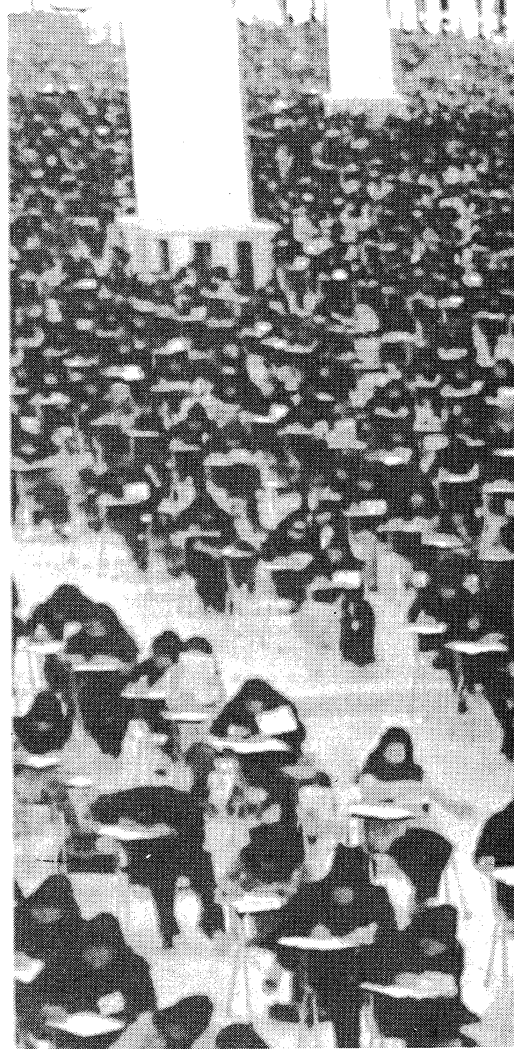
عناوین مواد امتحانی آزمون گروه آزمایشی علوم انسانی، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

مدت پاسخگویی	شماره سؤال		تعداد سؤال	مواد امتحانی	ردیف
	تا	از			
۱۸ دقیقه	۲۵	۱	۲۵	فارسی	۱
۲۰ دقیقه	۵۰	۲۶	۲۵	زبان عربی (عمومی)	۲
۱۷ دقیقه	۷۵	۵۱	۲۵	دین و زندگی	۳
۲۰ دقیقه	۱۰۰	۷۶	۲۵	زبان انگلیسی	۴
۳۰ دقیقه	۱۱۵	۱۰۱	۱۵	ریاضی و آمار ۳	ریاضیات
	۱۲۵	۱۱۶	۱۰	ریاضی و آمار ۱	
	۱۳۵	۱۲۶	۱۰	ریاضی و آمار ۲	
۱۰ دقیقه	۱۴۵	۱۳۶	۱۰	اقتصاد	۶
۲۵ دقیقه	۱۶۰	۱۴۶	۱۵	علوم و فنون ادبی ۳	علوم و فنون ادبی
	۱۷۰	۱۶۱	۱۰	علوم و فنون ادبی ۱	
	۱۸۰	۱۷۱	۱۰	علوم و فنون ادبی ۲	
۱۰ دقیقه	۱۹۰	۱۸۱	۱۰	زبان عربی (اختصاصی)	۸
۲۰ دقیقه	۲۰۰	۱۹۱	۱۰	تاریخ ۳	تاریخ
	۲۱۰	۲۰۱	۱۰	تاریخ ۱	
	۲۲۰	۲۱۱	۱۰	تاریخ ۲	
۲۰ دقیقه	۲۳۰	۲۲۱	۱۰	جغرافیا ۳	جغرافیا
	۲۴۰	۲۳۱	۱۰	جغرافیای ایران	
	۲۵۰	۲۴۱	۱۰	جغرافیا ۲	
۳۰ دقیقه	۲۶۰	۲۵۱	۱۰	جامعه‌شناسی ۳	جامعه‌شناسی
	۲۷۰	۲۶۱	۱۰	جامعه‌شناسی ۱	
	۲۸۰	۲۷۱	۱۰	جامعه‌شناسی ۲	
۳۰ دقیقه	۲۹۰	۲۸۱	۱۰	فلسفه دوازدهم	فلسفه و منطق
	۳۰۰	۲۹۱	۱۰	منطق	
	۳۱۰	۳۰۱	۱۰	فلسفه یازدهم	
۱۰ دقیقه	۳۲۰	۳۱۱	۱۰	روان‌شناسی	۱۳



آزمونها و سراسر گاج

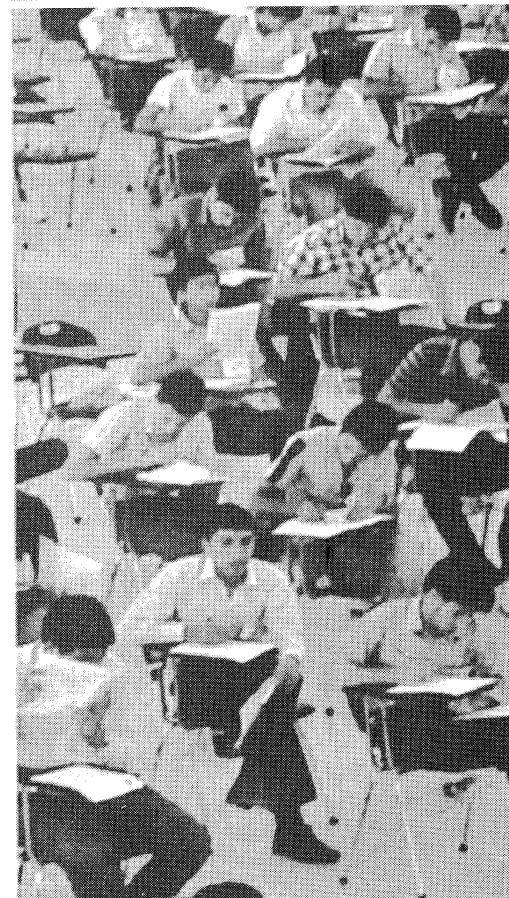
دروس	طراحان	ویراستاران علمی
فارسی	امیرنجات شجاعی - مهدی نظری	ابوالفضل مزرعتی - اسماعیل محمدزاده مسیح گرجی - مریم نوری نیا
زبان عربی	حسام حاج مؤمن	سید مهدی میرفتحی - شاهو مرادیان منیژه خسروی - مختار حسامی
دین و زندگی	مرتضی محسنی کبیر - محمد رضایی بقا امیررضا عمران پور - فردین سماقی	بهاره سلیمی
زبان انگلیسی	امید یعقوبی فرد	مریم پارسائیان
ریاضیات	محمد یگانه	ندا فرهختی - پگاه افتقار سودابه آزاد
اقتصاد	امیرحسین صدیقین	الهام مقدادیان - میلاد اکبری مریم پارسائیان - نصیبه کلانتری
تاریخ	محمداسماعیل سلمان پور	سیده مریم میرقاسمی - مریم پارسائیان فاطمه ساریخانی - نصیبه کلانتری
جغرافیا	محسن مصلاهی	محمداسماعیل سلمان پور سیده مریم میرقاسمی - مریم پارسائیان
جامعه‌شناسی	فروغ تیموریان	نصیبه کلانتری - سیده مریم میرقاسمی مریم پارسائیان - سارا صدری
فلسفه	سید حسام‌الدین جلالی	عماد صفرنژاد - مریم پارسائیان نصیبه کلانتری
روان‌شناسی	نگار کاغذگران	فاطمه ساریخانی - مریم احدزاده مریم پارسائیان - نصیبه کلانتری



دفتر مرکزی تهران، خیابان انقلاب بین
چهارراه ولیعصر (عج) و
خیابان فلسطین، شماره ۹۱۹

اطلاع رسانی نام ۰۲۱-۶۴۲۰

نشانی اینترنتی www.gaj.ir



آماده‌سازی آزمون

مدیریت آزمون: ابوالفضل مزرعتی

بازبینی و نظارت نهایی: سارا نظری

برنامه‌ریزی و هماهنگی: مریم جمشیدی عینی - مینا نظری

ویراستاران فنی: بهاره سلیمی - ساناز فلاحی - آمنه قلی‌زاده - مروارید شاه‌حسینی - مریم پارسائیان

مدیر فنی: مهرداد شمسی

سرپرست واحد فنی: سعیده قاسمی

طراح شکل: فاطمه میناسرشت

حروف‌نگاران: پگاه روزبهانی - زهرا نظری‌زاد - سارا محمودنسب - نرگس اسودی - فرهاد عبدی

امور چاپ: عباس جعفری

به نام خدا

حقوق دانش‌آموزان در آزمون‌های سراسری گاج

داوطلب گرامی؛ با سلام در اینجا شما را با بخشی از حقوق خود در آزمون‌های سراسری گاج آشنا می‌نماییم:

- ۱- اطلاعات شناسنامه‌ای و آموزشی شما مانند نام، نام خانوادگی، جنسیت و گروه آزمایشی بایستی به صورت صحیح در بالای پاسخ‌برگ درج شده باشد.
- ۲- آزمون‌های سراسری گاج باید راس ساعت اعلام شده در دفترچه، شروع و خاتمه یابد.
- ۳- محل برگزاری آزمون باید از لحاظ سرمایش و گرمایش، نور کافی، نظافت و سایر موارد در حد مطلوب و استاندارد باشد.
- ۴- سؤالات آزمون‌های سراسری گاج بایستی نزدیک‌ترین سؤالات به کنکور سراسری باشد و عاری از هرگونه اشکال علمی و تایپی باشد.
- ۵- در هنگام برگزاری آزمون باید تغذیه رایگان دریافت نمایید.
- ۶- بعد از هر آزمون و به هنگام خروج از جلسه آزمون بایستی پاسخ‌نامه‌ی تشریحی هر آزمون را دریافت نمایید.
- ۷- کارنامه‌ی هر آزمون بایستی در همان روز آزمون به روش‌های ذیل تحویل شما گردد:

• مراجعه به سایت گاج به نشانی www.gaj.ir

• مراجعه به نمایندگی.

۸- خدمات مشاوره‌ای رایگانی که در طی ۱ مرحله آزمون (ویژه داوطلبان آزاد) ارائه می‌گردد شامل:

- برگزاری جلسه مشاوره حضوری به صورت انفرادی حداقل یکبار در طی هر آزمون توسط رابط تحصیلی.
- تماس تلفنی حداقل ۲ بار در طی هر آزمون توسط رابط تحصیلی.
- تماس تلفنی با اولیا حداقل یکبار در هر فاز [آزمون‌های سراسری گاج در چهار فاز تابستانه، ترم اول، ترم دوم و جامع برگزار می‌گردد].
- بررسی کارنامه آزمون توسط رابط تحصیلی در هر آزمون.

چنانچه در هر یک از موارد فوق کمبود و یا نقضی مشاهده نمودید لطفاً بلافاصله با تلفن ۰۲۱-۶۴۲۰۰۰۰ تماس حاصل نموده و مراتب را اطلاع دهید.



در گاج، بهترین صدا،

صدای دانش‌آموز است.



فارسی

۱ ۴ معنی درست واژه‌ها: هژیر: پسندیده، نیکو، چابک / چنبر: چنبره، گردن‌بند، طوق، حلقه / گربت: غم، اندوه / غو: نعره کشیدن، فریاد، خروش، غریو

۲ ۳ معنی درست واژه‌ها: مکاید: جمع مکیده یا مکیدت؛ کیده‌ها، مکرها، حیل‌ها / هیون: شتر، به‌ویژه شتر قوی‌هیکل و درشت‌اندام

۳ ۳ معنی درست واژه: منکر: انکارکننده (منکر: زشت)

۴ ۴ املای درست واژه: غربت: غریبی، دوری از خانمان (قریت: نزدیکی)

۵ ۲ املای درست واژه: غزا: جنگ (قضا: تقدیر)

۶ ۳ ضمیر متصل «ت» در پایان این گزینه نقش مفعولی دارد. در سایر گزینه‌ها، «ت» مضاف‌الیه است.

۷ ۳ فعل گرفتن در گزینه‌ی (۳) در معنای «دست یافتن» (به تعبیری) و «بازخواست کردن» (به تعبیر دیگر) به کار رفته و در سایر گزینه‌ها در معنای «اثر کردن» است.

۸ ۴ گفت‌وگو (گفت + و + گو): بن ماضی + وند + بن مضارع

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) رفت و آمد (رفت + و + آمد): بن ماضی + وند + بن ماضی
۲) سراسر (سر + ا + سر): اسم + وند + اسم
۳) خواب و خور (خواب + و + خور): بن مضارع + وند + بن مضارع (به تعبیری)

۹ ۲ واژه‌ی «رکاب» در گذشته در معنی «حلقه‌ی آویخته از زین اسب» به کار می‌رفته و امروز علاوه بر معنی قدیمی خود، در معنی «پله‌مانندی در برخی وسایل نقلیه مانند اتوبوس که مسافران هنگام سوار یا پیاده شدن بر روی آن پا می‌گذارند، و نیز وسیله‌ی به حرکت درآوردن دوچرخه‌های مکانیکی» به کار می‌رود.

۱۰ ۱ ترکیب وصفی: آن مه / آن یار / یار مسافر / آن مه‌طلعت / مه‌طلعت زیبا / محنت‌کش بی‌خان‌ومان / اسیر خسته‌جان / اسیر ... ناتوان (۸ ترکیب)

ترکیب اضافی: غبارم / بویش / خاک کوی / اکویش / اظهار عجز / اظهار ... خاکساری / بزم شادمانی / کنج بی‌کسی (۸ ترکیب)

۱۱ ۴ جناس (بیت «الف»): بکار، ببار

تشخیص (بیت «ج»): این‌که شعله نفس‌های بی‌شمار بزند.

حسن تعلیل (بیت «د»): عَلت رسیدن صبح به آفتاب راستی و صدق اوست.

مجاز (بیت «ب»): فردا مجاز از آینده، روز قیامت

۱۲ ۴ تشخیص: نسبت دادن رخ به شفق و این‌که فلک بی‌باده صبح و شام را نمی‌گذراند (= فلک، صبح و شام در حال باده‌نوشی است).

تشبیه: مخاطب به شفق / رخ شفق و رخ مخاطب به لاله / مخاطب به فلک

ایهام تناسب: مدام: ۱- همیشه (معنی درست) ۲- شراب (معنی نادرست، متناسب با باده)

تضاد: صبح ≠ شام

۱۳ ۴ ایهام تناسب: — / تضاد: روز ≠ شب

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کنایه: دل خون‌گشته: کنایه از درون رنج‌دیده / مژگان خون‌پالا: کنایه از چشم بسیار اشکبار / استعاره: قطره استعاره از عشق اندک / دریا استعاره از عشق حقیقی و کامل / شورش دریا: اضافه‌ی استعاری

۲) تشبیه: تشبیه خود [شاعر] به طفل غنچه / طفل غنچه (اضافه‌ی تشبیه‌ی) / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ر» و «ف» (۵ بار)

۳) جناس: نیش، نوش / حس آمیزی: زندگانی تلخ

۱۴ ۲ تشبیه: مهر خموشی (اضافه‌ی تشبیه‌ی)

اسلوب معادله: رنگین‌کلامان / ترک دعوی / خوش‌نما بودن = غنچه / مهر خموشی بر دهان / زبینه بودن

تشخیص: خاموشی غنچه / دهان غنچه

حس آمیزی: رنگین بودن کلام

کنایه: مهر بر دهان داشتن کنایه از سکوت

۱۵ ۲ عبارت «روضه‌ی خُلد» در گزینه‌ی (۲) یادآور نام کتاب «روضه‌ی خُلد» از مجد خوافی است.

۱۶ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): ضرورت بر جا گذاشتن نام نیک / ماندگاری نام نیکو

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) نکوهش ظاهرینی / نکوهش ریاکاری

۲) اثر کار نیکو به انسان می‌رسد. / تأثیر مثبت هم‌نشین نیکو

۳) تقدیرگرایی

۱۷ ۳ مفهوم گزینه‌ی (۳): ضرورت پذیرفتن و اصلاح عیب‌های خود

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: بدی را با نیکی پاسخ دادن

۱۸ ۳ مفهوم گزینه‌ی (۳): آزادی موجب عافیت و امنیت است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: دشمنی روزگار با اهل دانش و هنر

۱۹ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): ترجیح مرگ بر ننگ

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) زنده‌دلی آزادگان / سکون و بی‌تحزگی برابر با نابودی است.

۳) بی‌نام و ننگ بودن عاشقان

۴) فتنه‌انگیزی عشق

۲۰ ۳ مفهوم گزینه‌ی (۳): مهلت یافتن ظالمان از روزگار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ظالم نتیجه‌ی ظلم خود را می‌بیند.

۲۱ ۴ مفهوم مشترک رباعی سؤال و گزینه‌ی (۴): آزادی و ترک وجود مادی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

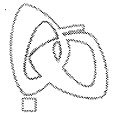
۱) زندگی دنیا توأم با رنج و اندوه است.

۲) سفر معیار شناخت خلق و خوی واقعی است.

۳) جاودانگی عشق

۲۲ ۳ مفهوم گزینه‌ی (۳): توصیف بی‌ثمری و در عوض، سایه گستردن / سودمندی با وجود بی‌ثمری ظاهری

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: سزای بی‌ثمری نابودی است.



۲۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): توصیه به خاموشی

در عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) پنهان‌ناپذیری راز عشق

(۲) شورانگیزی سخن عاشقانه / بالیدن شاعر به شعر خود

(۳) از یاد رفتن شاعر

۲۴ ۳ مفهوم گزینه‌ی (۳): ناپایداری دنیا و توصیه به ستایش

خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تسلط زشتی و بدی بر خیر و

نیکی / وارونگی ارزش‌ها

۲۵ ۱ مفهوم گزینه‌ی (۱): گله از جور و جفای معشوق / جفای

معشوق موجب تغییر رفتار عاشق است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به یکرنگی و اخلاص

زبان عربی (عمومی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه، واژگان، و یا مفهوم مشخص

کن (۲۶ - ۲۷):

۲۶ ۱ ترجمه کلمات مهم: لَنْ نَأْلُوا: دست نخواهید یافت، به ...

نخواهید رسید / حَتَّى تُنْفِقُوا: تا انفاق کنید / مِمَّا: از آن چه، از چیزی که؛ مِنْ +

(ما) / تُحِبُّونَ: دوست می‌دارید

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۲) هرگز (اضافی است)، نمی‌رسید (← نخواهید رسید)، دوستش می‌دارید

(← دوست می‌دارید)

(۳) دوست داشته‌اید (← دوست می‌دارید)

(۴) هیچ‌گاه (اضافی است)، دست نمی‌یابید (← دست نخواهید یافت)، حتی

اگر (← تا، تا این‌که)

۲۷ ۳ ترجمه کلمه مهم: اِسْتَكْبَرُ: تکبر کرد

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) کافر شد (← از کافران بود)

(۲) و فقط (← به‌جز)، متکبر (← تکبر کرد؛ «تَكَبَّرَ» فعل است، نه صفت)،

سجده نکرد (اضافی است)، که (← و)

(۴) متکبر بود (← تکبر کرد)

۲۸ ۳ ترجمه کلمات مهم: اِسْتَقَى: برگرفتند، مشتق کردند (برای فاعلِ

جمع) / اُخَذُوا: گرفتند، گرفته بودند (در جمله وصفیه بعد از فعل ماضی، به

صورت ماضی ساده یا ماضی بعید) / لِكَيْ يَنْتَجُوا: تا تولید کنند / تتوافق:

سازگار باشد (فعل در جمله وصفیه بعد از فعل مضارع، به صورت مضارع

الترامی ترجمه می‌شود)

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) و (← تا)، تولید کردند (← تولید کنند)

(۲) عرب (← عرب‌ها؛ «اسم جنس» است و به صورت جمع ترجمه می‌شود،

مخصوصاً این‌جا که بعدش برایش فعل جمع «أُخَذُوا» آمده است)، فارس (←

فارس‌ها، ایرانی‌ها؛ اسم جنس است و جمع ترجمه می‌شود)، ترتیب در ابتدای

جمله کاملاً به هم خورده، مطابق با (← سازگار باشد)

(۴) کلمات (← کلماتی؛ نکره است)، و (← تا)، تولید کردند (← تولید کنند)،

زبانشان با آن موافق بود (← با زبانشان سازگار باشد)

۲۹ ۴ ترجمه کلمات مهم: كَلِمًا: هرگاه / اَنْ تُصَلِّحَ: که اصلاح کنی /

حَاوِلْ: بکوش، تلاش کن / لِيَتَّظَاهَر: تا تظاهر کنی، تا وانمود کنی / حَتَّى

يُصْبِحَ: تا شود

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) رفتاری خوش (← خوش‌رفتاری)، ظاهر شوی (← تظاهر کنی، وانمود

کنی)، باشد (← شود)

(۲) وقتی (← هر وقت)، صالح نمایی (← اصلاح کنی)، تلاش کردی (←

تلاش کن)

(۳) رفتار خوبی (← خوش‌رفتاری)، که (← تا)، شده است (← شود)

۳۰ ۲ شیشه (← شیشه‌ای؛ «رُجَاجَةٌ» نکره است).

۳۱ ۱ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۲) آشکار می‌کند (← آشکار کرد)

(۳) قوی (← قوی‌تر)

(۴) در جمله استثناء، وقتی مستثنی‌منه قبل از «إِلَّا» وجود دارد، از اسلوب

«فقط + فعل مثبت» (اسلوب حصر) استفاده نمی‌شود؛ (← هیچ طرفی با

آن چه در آن گذاشته می‌شود فراخ نمی‌شود، به‌جز ظرف دانش).

۳۲ ۳ زیبا نیست (← چه زیباست)، «ما أَجْمَلُ» معنای تعجب

دارد.

۳۳ ۴ بررسی گزینه‌ها:

(۱) «حَلَّةٌ: دوستی» با «عِدَاوَةٌ: دشمنی» متضاد است، نه با «المُعَارَضَةُ:

مخالفت».

(۲) «فَاضَتْ: لبریز شد» با «امْتَلَأَتْ: پُر شد» مترادف است، نه با «حَسَبَتْ:

ترسید».

(۳) «لَا تَعْتَرُوا: فریب نخورید» با «لَا تَسْتَشِيرُوا: مشورت نکنید» مترادف

نیست.

(۴) «يُصَدِّقُ: تأیید می‌کند، باور می‌کند» با «يُنْكِرُ: انکار می‌کند، رد می‌کند»

متضاد است.

۳۴ ۲ ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) «اسبها - شیرها - گرها - خرها» (فَرس، أَسَد، ذئب، جِمار) همه از

چارپایان هستند.

(۲) «پوست - هسته - محکم - مغز، دانه» واژه سوم تناسب ندارد. (بقیه از اجزاء

میوه‌ها هستند.)

(۳) «نهال - تنه - نهال - شاخه» همه مربوط به درخت هستند.

(۴) «سیم‌کارت - کارت - تلفن همراه - شارژ» همه مربوط به تلفن هستند.

۳۵ ۲ ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) «غرق شده کسی است که وارد دریا شده و وانمود کرده که شنا نمی‌داند!»

نادرست است؛ چون غرق شده کسی است که واقعاً شنا بلد نبوده که غرق شده؛

نه این‌که وانمود کرده که بلد نیست!

(۲) «چیزی هنگام زیاد بودنش نزد مردم گران نمی‌شود، به‌جز ادب!» درست است؛

فقط ادب است که وقتی نزد مردم زیاد می‌شود، گران‌بها و ارزشمند می‌شود!

(۳) «مترجمان مثل ابن مقفع بر انتقال واژه‌ها از عربی به فارسی تأثیر

گذاشتند» نادرست است؛ چون ابن مقفع از مشهورترین مترجمانی است که از

فارسی به عربی ترجمه کرده و بر انتقال واژه‌ها از فارسی به عربی تأثیر گذاشته.

(۴) «وقتی کسی را آزاد می‌کنیم، او را مختار می‌کنیم تا مطابق با انتخاب ما

زندگی کند!» نادرست است؛ وقتی کسی را آزاد می‌کنیم، اجازه می‌دهیم او

مطابق با انتخاب خودش زندگی کند!

۳۶ | ۲ ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «هر چیزی از بین رفته است، جز ذات او (خداوند)» آیه و عبارت فارسی هر دو می‌گویند نامیرایی و ماندگاری، مخصوص خداوند است.
- ۲) «درباره هر چه شنیدی با مردم سخن نگوا!» این حدیث می‌گوید هر حرفی را شنیدی بازگو نکن! و ضرب‌المثل فارسی می‌گوید دیدن چیزی، بسیار معتبرتر از شنیدن درباره آن است. این دو مفهوم تناسبی ندارند.
- ۳) «یادها به گونه‌ای جریان می‌یابند که کشتی‌ها تمایل ندارند!» مفهوم مصرع عربی و مصرع فارسی هر دو این است که رویدادهای روزگار مخالف با تمایل انسان اتفاق می‌افتند!
- ۴) «خیر در چیزی است که اتفاق افتاده!» کاملاً مشخص است که مفهومی مشابه با عبارت فارسی دارد!

۳۷ | ۳ ترجمه عبارت سؤال: «بهترین سخن، آن است که اندک و گویا

باشد!» بر کم‌گویی و مفیدگویی دلالت دارد!

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- ۱) یعنی «کسی که زیاد حرف بزند، گوشش نمی‌شنود و هیچ نصیحتی در او اثر نمی‌گذارد!» این ربطی به کم‌گویی و مفیدگویی ندارد.
 - ۲) یعنی «کسی که در گوشه‌های ساکت نشسته بهتر از کسی است که حرف مفت می‌زند!» این بیت می‌خواهد از گفتن حرف غیرمنطقی پرهیز کنیم و ربطی به عبارت سؤال ندارد.
 - ۳) یعنی «کسی که کم حرف می‌زند هیچ‌وقت شرمند نمی‌شود و اندکی چیز ارزشمند بهتر از یک عالم چیز بی‌ارزش است!» یعنی باید کم سخن گفت و ارزشمند! مثل عبارت سؤال!
 - ۴) یعنی «انسان دانا باید سکوت کند، چون روز قیامت کسی که بی‌زبان بوده به خاطر حرف‌هایش مؤاخذه نمی‌شود!» این هم به سکوت دعوت می‌کند و با عبارت سؤال فرق دارد.
- متن زیر را با دقت بخوان سپس متناسب با آن به سوالات پاسخ بده (۳۸ - ۴۳):

واژه‌هایی فارسی وجود دارد که عرب‌ها آن‌ها را از روزگار قدیم به دلایل مختلفی به زبانشان وارد کرده‌اند؛ از جمله (آن دلایل): ورود کالاهای ایرانی به کشور آن‌ها، و سبک بودن بعضی الفاظ فارسی برای تلفظ کردن نزد آن‌ها. وقتی یک عرب می‌گوید: «اشتریت خیاراً طازجاً من البستان» (یک خیار تازه از باغ خریدم!) سه واژه فارسی بر زبان می‌آورد در جمله‌ای که واژه‌هایش فقط پنج (تا) است!

دانشمندان عرب قدیمی، این پدیده را تعریب نامیدند؛ زیرا دیدند عرب‌ها واژه‌های وارد شده را معمولاً تعریب می‌کنند و آن‌ها را در تلفظ کردن عربی می‌کنند! تعریب روش‌های گوناگونی دارد؛ از جمله این‌که آن‌ها حرف‌های الفاظ وارد شده را تغییر می‌دهند، همان‌طور که بنفشه را به «بنفسج» تبدیل کردند! یا ساخت آن‌ها را تغییر می‌دهند تا با ساخت الفاظشان سازگار شود، همان‌طور که نشاسته را به «نشاء» تبدیل کردند. اما آن‌ها الفاظ اسم‌های خاص را تغییر نمی‌دهند، به جز بعضی از آن‌ها را، همان‌طور که خسرو را به «کسری» تبدیل کردند!

۳۸ | ۲ متن درباره کدام موضوع اساسی سخن گفته است؟

دقت کنید: «موضوع اساسی» موضوعی است که بتواند همه متن را پوشش دهد و البته از متن فراتر نرود.

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «پدیده انتقال واژه‌ها میان زبان‌ها» این موضوع، فراتر از متن است؛ متن فقط درباره دو زبان فارسی و عربی سخن گفته.
- ۲) «استقبال کردن ملت عرب از کلمه‌های فارسی» همین گزینه موضوع اساسی در متن است؛ کل متن درباره استفاده عرب‌ها از واژه‌های فارسی و شیوه‌های این استفاده است.
- ۳) «دگرگون شدن واژه‌های عربی شده در زبان عربی» این گزینه فقط به نیمه دوم متن مربوط می‌شود.
- ۴) «تعریب نزد دانشمندان عرب از قدیم» این گزینه نیز فقط به یک قسمت کوچک از متن اشاره دارد.

۳۹ | ۱ براساس متن:

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «واژه «طازج»، کلمه‌ای وارد شده است که عرب‌ها حرف‌های آن را تغییر داده‌اند!» «طازج» در واقع همان تازه است که دو حرف از آن تغییر کرده است؛ پس همین گزینه درست است.
- ۲) «عرب‌ها نام‌های اشخاص را غالباً مطابق با زبان‌هایشان تغییر می‌دهند!» نادرست است! در متن آمده آن‌ها فقط بعضی از اسم‌های خاص را تغییر می‌دهند، نه این‌که غالباً این کار را می‌کنند.
- ۳) «میوه‌ها سبب نشده‌اند که واژه‌هایی فارسی به زبان عربی منتقل شود!» در جمله‌ای که از زبان یک عرب نقل شده، واژه «خیار» نشان می‌دهد میوه‌ها نیز باعث این اتفاق بوده‌اند.
- ۴) «کالاهای ایرانی تنها دلیل برای انتقال واژه‌های فارسی هستند!» مشخص است که کالاها تنها دلیل نیستند.

۴۰ | ۳ [گزینه] نادرست را مشخص کن:

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «از قدیم، تجارت میان ملت‌ها اثری آشکار بر زبان‌ها داشته است!» درست است؛ چون متن گفته از زمان قدیم کالاهای ایرانی، واژه‌هایی را از فارسی به عربی وارد کرده‌اند.
- ۲) «گاهی اهل زبان از واژه‌ای بیگانه به دلیل آسان بودنش بر زبان‌هایشان استفاده می‌کنند!» درست است؛ چون یکی از دلایل استفاده عرب‌ها از واژه‌های فارسی، سبک بودن این واژه‌ها بر زبان آن‌هاست.
- ۳) «تعریب پدیده زبانی قدیمی است که دانشمندان عرب قدیمی از آن چشم فرو بسته‌اند!» نادرست است! چون در متن آمده نام تعریب را همین دانشمندان برای این پدیده انتخاب کردند.
- ۴) «احتمال دارد که عرب‌ها سخنی را بر زبان آورند که واژه‌های فارسی‌اش بیش‌تر از واژه‌های عربی‌اش باشد!» جمله عربی - فارسی که در متن ذکر شده، همین احتمال را نشان می‌دهد.

۴۱ | ۱ [گزینه] صحیح را درباره به‌کارگیری واژه‌های فارسی در زبان

عربی مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «گاه عرب‌ها نام‌هایی فارسی را می‌گیرند و آن‌ها را بدون تغییر به کار می‌برند!» همین درست است! چون در متن آمده عرب‌ها اسم‌های خاص را تغییر نمی‌دهند، مگر بعضی از آن‌ها را. پس آن‌ها نام‌هایی فارسی را بدون این‌که تغییرشان دهند به کار می‌برند.
- ۲) «تغییر حرف‌ها، روش اصلی برای به‌کارگیری واژه‌های عربی‌شده فارسی است!» تغییر حروف، صرفاً یکی از روش‌ها بود، نه روش اصلی!

**۴۶ بررسی گزینه‌ها: ۳**

- (۱) در «لِشَاهِدِ» حرف «لام» بر سر فعل مضارع آمده و معنای «تا» می‌دهد.
ترجمه: کنار ما بنشین تا مسابقه را از تلویزیون مشاهده کنی!
(۲) در «لِتَسَاعِدِ» نیز «لام» بر سر مضارع آمده.
ترجمه: به خانه برو تا به مادرت کمک کنی!
(۳) در «لِلتَّعَارَفِ» حرف «لام» بر سر مصدر آمده که یک اسم است و معنای «برای» می‌دهد.

- ترجمه: برای آشنا شدن با هم‌کلاسی‌هایت، در جلسه اول حاضر شو!
(۴) در «لِتَّنَائِسِبِ» نیز «لام» بر سر مضارع آمده.
ترجمه: به قولم عمل می‌کنم تا گفته‌هایم با کارهایم متناسب باشد!

۴۷ بررسی گزینه‌ها: ۳

- (۱) «أَنْ تَكْرَهُوا» تنها فعل مضارع در آیه است که «أَنْ» بر سرش آمده و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
ترجمه: «چه بسا چیزی را ناپسند بدارید در حالی که آن برایتان خوب است!»
(۲) «حَتَّى يَحْكُمَ» تنها فعل مضارع در آیه است که «حَتَّى» بر سرش آمده و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
ترجمه: «صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند!»
(۳) «مَا يُرِيدُ» فعل مضارع منفی است که به مضارع اخباری ترجمه می‌شود.
پس جواب، همین گزینه است. البته «لِيَجْعَلَ» نیز فعل مضارع است که «لِ» بر سرش آمده و به مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
ترجمه: «خداوند نمی‌خواهد تا شما را در بحرانی قرار دهد!»
(۴) «لِكَيْلا تَحْزَنُوا» تنها فعل مضارع در آیه است که «لِكَيْ» بر سرش آمده و به مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
ترجمه: «تا بر آنچه که از دست شما رفته، ناراحت نشوید!»

۴۸ بررسی گزینه‌ها: ۴

- (۱) در «فَسَاعِدْنِي» فعل «سَاعَدْنِي» با حرف «فَ» از اسم نكرة «مُعْجَمًا» جدا شده، پس نمی‌تواند جمله وصفیه برای آن باشد؛ بلکه جمله‌ای مستقل از آن است.
ترجمه: در کتابخانه واژه‌نامه‌ای یافتم، پس در فهم متون به من کمک کرد!
(۲) «مَنْ» ادات شرط، «أَرَادَ» فعل شرط و «لَا يُدْرِكُ» فعل جواب شرط است؛ پس «لَا يُدْرِكُ غَايَةً» گرچه بعد از «جَمِيعًا» آمده، اما جمله وصفیه نیست؛ معنای جمله نیز این را نشان می‌دهد.
ترجمه: هر کس بخواهد همه مردم را راضی کند، به هدفش نمی‌رسد!

- (۳) جمله «وَهُوَ يُنْقِذُكَ» با حرف «و» از اسم نكرة «صَدِيقًا» جدا شده، پس جمله وصفیه برای آن نیست؛ این جمله در واقع یک جمله حالیه برای اسم معرفه «الكتاب» است.
ترجمه: آیا برتر از کتاب دوستی می‌شناسی در حالی که او تو را از نادانی نجات می‌دهد؟
(۴) جمله «حَرَّبَتْ بَيْتًا» جمله‌ای است که اسم نكرة «رِيحٌ» را توصیف کرده و بنابراین جمله وصفیه است. دقت کنید که ممکن است میان اسم نكرة و جمله وصفیه‌اش فاصله بیفتد.
ترجمه: بادهایی شدید کنار ساحل دریا وزیدند که خانه‌ای را خراب کردند!

۴۹ بررسی گزینه‌ها: ۴

- (۱) «كتاب» (مستثنی) از «كُتِّبَ» استثناء شده که مفعول برای «مَا طَالَعْتُ» است؛ پس مستثنی منه (كُتِّبَ) مفعول و منصوب است.
ترجمه: دیروز در خانه کتاب‌هایم را مطالعه نکردم، به جز کتاب عربی را!

- (۳) «عرب‌ها واژه‌های فارسی را به دلیل سازگار بودنشان با زبانشان به کار گرفتند» نادرست است! چون اگر با زبان آن‌ها سازگار بودند، دیگر تغییرشان نمی‌دادند.
(۴) «عرب‌ها کوشیدند واژه‌های خود را از واژه‌های فارسی بگیرند» در متن چنین چیزی گفته نشده؛ فقط گفته شده عرب‌ها بعضی واژه‌های فارسی را وارد زبان خود کردند.

- ۴۲ فعل «يَجْعَلُ» از فعل‌های دو مفعولی است؛ یعنی دو مفعول می‌گیرد؛ در گزینه (۴) مفعول اولش ضمیر «ها» است که به «يَجْعَلُونَ» چسبیده، و مفعول دومش «عربیَّة» است که باید منصوب باشد «عربیَّةً»**

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) القدمات: «العلماء» فاعل و مرفوع است؛ بنابراین «العرب» و «القدمات» نیز به عنوان صفت‌هایش به تبعیت از آن مرفوع هستند.
(۲) العرب: اسم «أَنَّ» و منصوب
(۳) متنوعه: «طُرُقٌ» مبتدای مؤخر و مرفوع است، بنابراین «متنوعه» نیز به عنوان صفتش به تبعیت از آن مرفوع است.

- ۴۳ «ألفاظ» جمع مکسر «لفظ» (مذکر) است که از سویی مفعول برای فعل «لَا يَتَيَّرُونَ» و منصوب است، و از سوی دیگر چون بعد از «إِلَّا» کلمه «بعض» از آن استثناء شده، مستثنی منه است.**

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) الجملة خبر (← الجملة وصفية؛ جملة «أَدْخَلَهَا الْعَرَبُ ...» بعد از «مفردات» فارسیه» آمده و آن را توصیف کرده که یک ترکیب وصفی نکره است؛ پس این جمله یک جمله وصفیه است.)
(۲) لازم (← متعد؛ فعل «يَتَلَفَّظُ» تلفظ می‌کند) فعل متعدی است که «ثلاث» مفعول آن است.)

- (۳) اسم الفاعل (← اسم المفعول؛ با توجه به حرف یکی مانده به آخر در «مُفْرَدَةً» که فتحه است، متوجه می‌شویم که این کلمه اسم مفعول است.
گزینه درست را در پاسخ به سؤال‌های زیر مشخص کن (۵۰ - ۴۴):

- ۴۴ در گزینه (۲) در جار و مجرور «بِشُرْعَةٍ» کلمه «شُرْعَةٍ» اسم نکره است. در بقیه گزینه‌ها هیچ اسم نکره‌ای نیامده است.**

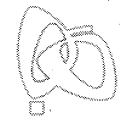
۴۵ بررسی گزینه‌ها: ۳

- (۱) «في الحوادث» جار و مجرور و خبر مقدم است، و «تَجَارِبُ» مبتدای مؤخر است که نکره است.
ترجمه: در رویدادهای تاریخی تجربه‌هایی هست که ملت‌ها گاه آن‌ها را فراموش می‌کنند!
(۲) «عَالِمٌ» مبتدای نکره است.
ترجمه: دانشمندی که از دانشش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عبادت‌کننده است.

- (۳) «هُودٌ» مبتدایست که یک اسم خاص (عَلَمٌ) و بنابراین معرفه است؛ دقت کنید که بعضی اسم‌های خاص، تنوین می‌گیرند، اما هم‌چنان معرفه هستند.

- ترجمه: هود پیامبری است که خداوند او را به سوی قوم عاد برای هدایت کردنشان فرستاد!
(۴) «صَادِقٌ» فعل امر از مصدر «مُصَادَقَةٌ» است؛ پس این جمله فعلیه است و اصلاً مبتدا ندارد.

ترجمه: با دوستان با اخلاص دوستی کن تا تو را دوست بدانند!



۵۳ ۲ تفقه در دین بر همه واجب نیست، ولی فراگیری اصول دین بر همه واجب است و هدف از این ترویج دستور به برخی از افراد بر تفکر عمیق (تفقه) است.

سایر گزینه‌ها از آیهی شریفه‌ی آورده شده در صورت سؤال برداشت می‌شود.

۵۴ ۳ فریضه (واجب بودن) طلب علم بر هر مرد و زن که آن را پیامبر (ص) می‌فرماید، نشان دهنده‌ی اهمیت علم و آموختن است و این موضوع در آیهی شریفه‌ی «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ لِيَعْلَمُوا أَهْلِي الْأَكْبَابِ» بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند. تجلی دارد و اولین آیاتی هم که بر پیامبر نازل گردید درباره‌ی دانش و آموختن بود.

۵۵ ۲ شرط‌بندی از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آن، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام است.

۵۶ ۲ امام علی (ع) پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار به آن‌ها فرمودند: در آن شرایط، در صورتی می‌توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان‌شکنان را تشخیص دهید و آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش‌کنندگان قرآن را بشناسید.

۵۷ ۲ با گسترش سرزمین‌های اسلامی، یکی از اقدامات مربوط به مرجعیت دینی، «تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو» است و ثمره‌ی حضور سازنده‌ی امامان به دور از انزوا و گوشه‌گیری، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) در کنار سیره‌ی پیامبر (ص) و قرآن کریم است در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج‌البلاغه» و کتاب «صحیفه سجاده» از امام سجاد (ع) نام برد.

۵۸ ۱ با توجه به کلیدواژه‌های «زیور» (کتاب حضرت داود (ع)) و «الذکر» (کتاب تورات حضرت موسی (ع))، آیه‌ی شریفه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...» اشاره به موضوع موعود و منجی در ادیان دارد؛ زیرا همه‌ی ادیان در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی، اتفاق نظر دارند.

۵۹ ۱ یکی از اهداف مهم پیامبر اکرم (ص) ارتقای جایگاه خانواده به عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد و تباهی بود، احیای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به شمار می‌رفت، در آن شرایط که زن، از هرگونه احترام و جایگاه محروم شده بود، رسول خدا (ص) با گفتار و رفتار خویش تحول و انقلابی عظیم در جایگاه خانواده و زن پدید آورد و آیه‌ی شریفه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ» درباره‌ی همین موضوع است.

۶۰ ۳ قرآن کریم، در آن‌جا که اوصاف نمازگزاران را بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌های آن‌ها را این‌گونه ذکر می‌کند که آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده‌اند و آن‌جا که می‌خواهد تکذیب‌کنندگان دین را معرفی کند، از کسانی یاد می‌کند که یتیمان را از خود می‌رانند و دیگران را به اطعام مساکین تشویق نمی‌کنند.

۶۱ ۳ پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است، زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی‌داند.»

۲) «وَاحِدَةً» (مستثنی) از «الصفحات» استثناء شده که مفعول برای «قَرَأَتْ» است؛ پس مستثنی‌منه (الصفحات) مفعول و منصوب است.

ترجمه: صفحه‌های مشخص‌شده را در سه ساعت خواندم، به‌جز یکی از آن‌ها را. **دقت کنید:** معنای جمله اجازه نمی‌دهد «واحدة» از «ساعات» استثناء شده باشد. ۳) «الَّذِينَ» (مستثنی) از «الناس» استثناء شده که اسم «أَنَّ» است؛ پس مستثنی‌منه (الناس) منصوب است.

ترجمه: همه ما می‌دانیم که مردم در زبان هستند، به‌جز کسانی از آن‌ها که ایمان آورده‌اند!

۴) «الذَّوْبُ» (مستثنی) از «المَرء» استثناء شده که فاعل برای «لا يبلغ» است؛ پس مستثنی‌منه (المَرء) مرفوع است.

ترجمه: انسان به آن‌چه از زندگی می‌خواهد نمی‌رسد، به‌جز (فرد) باپشتکار در کار خود!

۵۰ ۲ بررسی گزینه‌ها:

۱) «خدمة» (مستثنی) از «عبادة» استثناء شده؛ پس مستثنی‌منه ذکر شده و اسلوب حصر وجود ندارد.

ترجمه: عبادت بزرگی نمی‌شناسیم به‌جز خدمت به محرومان!

۲) «الَّذِي» (مستثنی) از هیچ کلمه‌ای قبل از «إِلَّا» استثناء نشده؛ پس مستثنی‌منه در این جمله حذف شده و در آن اسلوب حصر وجود دارد.

ترجمه: از خدا و رسول او فقط کسی اطاعت می‌کند که به روز حساب ایمان آورده است! = از خدا و رسول او اطاعت نمی‌کند به‌جز کسی که به روز حساب ایمان آورده است!

در اسلوب حصر می‌توانیم «فعل منفی + إِلَّا» را به صورت «فقط + فعل مثبت» ترجمه کنیم.

۳) «الشرك» (مستثنی) از «ذنب» استثناء شده؛ پس مستثنی‌منه ذکر شده و اسلوب حصر وجود ندارد.

ترجمه: آیا نمی‌دانی که هر گناهی آمرزیده می‌شود به‌جز شرک؟!

۴) «مَنْ» (مستثنی) بعد از «إِلَّا» از «مَنْ» قبل از «إِلَّا» استثناء شده؛ پس مستثنی‌منه ذکر شده و اسلوب حصر وجود ندارد.

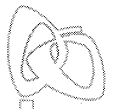
ترجمه: شکی نیست که هر کس بکوشد موفق می‌شود، به‌جز کسی که ناامید می‌شود!

دین و زندگی

۵۱ ۴ در تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو که از اقدامات مرجعیت دینی امامان (ع) است، با گسترش سرزمین‌های اسلامی (علت)، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق و افکار و نظام کشورداری (معلول) پدید آمد.

امامان در مبارزه‌ای که با حاکمان جور داشتند و در راستای مجاهده در راستای ولایت ظاهری، از اصولی تبعیت می‌کردند که یکی از آن‌ها، عدم تأیید حاکمان بود، یعنی هیچ‌یک از حاکمان غیرقانونی عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا (ص) تأیید نمی‌کردند و این موضوع را به شیوه‌های مختلف به مردم اعلام می‌کردند.

۵۲ ۲ امام علی (ع) در یکی از سخنرانی‌های خود فرمود: «به زودی پس از من، زمانی فرا می‌رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد... در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته‌شده‌تر از منکر و گناه نیست.»



۶۲ ۲ خداوند در آیهی ۵ سورهی مبارکهی قصص می‌فرماید: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم.»

توجه: خداوند در آیهی ۵۵ سورهی مبارکهی نور به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعدهی جانشینی در زمین را داده است (نادرستی گزینه‌های (۱) و (۳)).

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده است که امام مهدی از نسل پیامبر و حضرت فاطمه (س) است. البته آنان معتقدند که امام مهدی (عج) هنوز به دنیا نیامده است.

۶۳ ۲ ولی فقیه باید ۵ شرط داشته باشد که به آن مشروعیت می‌گویند، ۵ شرط عبارتند از: ۱- تقوا ۲- عادل ۳- زمان شناس ۴- مدیر و مدبر ۵- دارای شجاعت و قدرت روحی، که تشخیص آن با مجلس خبرگان است. **توجه:** بنابر قانون اساسی مردم ابتدا نمایندگان خبره‌ی خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان از میان فقها آن کس که برای رهبری شایسته‌تر است را به جامعه اعلام می‌کنند هم‌چنین تشخیص داشتن شرایط ذکر شده بر عهدهی مجلس خبرگان است پس مردم اعضای مجلس خبرگان را انتخاب می‌کنند. (نادرستی گزینه‌های (۱) و (۴)).

۶۴ ۲ گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحولی بنیادین در شیوهی زندگی فردی و اجتماعی مردم بود (بخش اول همه‌ی گزینه‌ها صحیح است)، پیامبر (ص) این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز کرد و سپس با هجرت به مدینه و با کمک یاران خود پایه‌های یک تمدن اسلامی را بنا نهاد و آیهی شریفه‌ی «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...» مربوط به عدالت‌محوری پیامبر (ص) است که یکی از معیارهای تمدن اسلامی می‌باشد.

۶۵ ۴ رسیدن به نعمت‌های اخروی، یک زندگی جدی و یک عزم قوی و استوار را طلب می‌کند و کسی که به دنبال خواسته و تمایلات نفس خود است، نمی‌تواند انتظار سعادت‌مندی در دنیا و بهره‌مندی از نعمات بهشتی را داشته باشد.

درست است که اسلام در هر دوره و زمانه‌ای قابل اجراست و هر قدر زندگی بشر پیچیده‌تر شد و نیازهای جدیدی پدید آمد، فقها و مجتهدین می‌توانند احکام اسلامی متناسب با آن شرایط را استخراج کنند اما این بدین معنا نیست که اگر جوامع بشری دچار انحراف شدند و خواسته‌ها و تمایلات مخالف با سعادت خود پیدا کردند، اسلام آن خواسته‌ها را بپذیرد و مطابق با آن حکم کند. در طول تاریخ جوامعی بوده‌اند که منحرف شده‌اند، اما پیامبرشان در مقابل آن انحراف ایستاده و با آنان مبارزه کرده است.

۶۶ ۴ «زیارت جامعه‌ی کبیره» یکی از منابع معرفتی شیعه است که توسط امام هادی (ع) بیان شده و یاران آن امام برای ما شیعیان نقل کرده‌اند. این زیارت که مانند یک درس امام‌شناسی است، سبب شناخت بهتر امامت و ویژگی‌های ائمه‌ی اطهار (ع) بوده است.

۶۷ ۳ در اثر فعالیت‌های امام سجاد (ع) قوت گرفتن مجدد شیعیان و ضعف تدریجی بنی‌امیه، زمان معرفی اسلام اصیل در دوران امام باقر (ع) فرا رسید، ایشان یک مدرسه‌ی علمی بزرگ در مدینه پایه‌گذاری کرد.

در زمان امام صادق (ع) ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسیده بود. در این شرایط دو جریان علیه امویان فعالیت می‌کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان دوستداران اهل بیت (ع) بودند، به همین جهت امام صادق (ع) مبارزه‌ی خود را علنی‌تر کرد و حتی قیام زیدبن علی، عموی خود را تأیید نمود.

۶۸ ۴ دوره‌ی امامت امام زمان (عج) با غیبت کوتاهی آغاز شد که ۶۹ سال به طول انجامید. پس از آن غیبتی طولانی آغاز شد که تا کنون ادامه دارد. ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است و افراد مستعد را از کمک‌های معنوی خود بهره‌مند می‌سازد. ایشان در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرماید: «ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.»

عبارت «حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ...» نشانگر این است که ایشان از نظرها غایب است، نه این‌که در جامعه حضور ندارد (نادرستی گزینه‌های (۱) و (۳)).

۶۹ ۱ پیامبر اسلام (ص) در همان ابتدای روز دعوت، مردم را به یکتاپرستی دعوت کرد و فرمود: «ای مردم بگوئید معبودی جز «الله» نیست تا رستگار شوید.» این سخن درباره‌ی توحید است و با آیهی شریفه‌ی «هَنْ أَمَّنْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلٍ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» مرتبط است.

۷۰ ۱ پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی (عج) را به عنوان آخرین امام و قیام‌کننده علیه ظلم و برپاکننده‌ی عدل در جهان معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین علی (ع) و سایر امامان نیز از آن حضرت و مأموریتی که از جانب خدا دارد، یاد کرده بودند، از این رو حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند که مهدی موعود (عج) را به محض تولد به قتل برسانند و در بیان امام علی (ع): «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند، اما خداوند به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.»

۷۱ ۱ عبارت «بشروطها و أنا مِن شروطها» در حدیث «سلسله الذهب» مربوط به ولایت ظاهری است و مقصود امام رضا (ع) از بیان این عبارات این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می‌گردد.

نکته: البته مرجعیت دینی هم از این حدیث برداشت می‌شود به شرطی که درباره‌ی اقدام برای حفظ سخنان و سیره‌ی پیامبر (ص) باشد.

۷۲ ۴ در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است، زیرا فرج و گشایش واقعی برای دین‌داران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود و امیرمؤمنان می‌فرماید: «منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است» لازمه‌ی این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر (عج) است.

۷۳ ۳ با تشکیل حکومت امام عصر (عج) همه‌ی اهداف انبیا تحقق می‌یابد. مهم‌ترین این اهداف، فراهم شدن زمینه‌ی رشد و کمال است که در نتیجه‌ی آن، انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند و فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند.

۷۴ ۳ با توجه به آیهی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ ...» رسول خدا (ص) به رسالت برانگیخته شده بود تا جامعه‌ای بنا نهد که در آن جامعه به جای حکومت ستمگران و طاغوتیان، ولایت الهی حاکمیت داشته باشد و نظام اجتماعی بر پایه‌ی قوانین و دستورات الهی استوار گردد، این معیار، یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی و پذیرش ولایت الهی است و هم‌چنین برابری منزلت زن و مرد در آیهی شریفه‌ی «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ ...» آمده است که در انتهای این آیه آن را نشانه‌هایی برای اهل تفکر و تعقل ذکر کرده است. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

۸۲ ۳ او به امید به دست آوردن پول کافی برای برگشتن به مدرسه برای بورسیه‌های تحصیلی مختلفی درخواست داده است.
(۱) نمونه، مثال (۲) اندازه؛ اقدام
(۳) تنوع؛ نوع، گونه (۴) درخواست، تقاضا
توضیح: مختلفی، گوناگونی: a variety of

۸۳ ۳ آن مطالعه پی برد که با افزایش یافتن دماها، گیاهان دی‌اکسید کربن کم‌تری را جذب می‌کنند در حالی که موجودات ذره‌بینی در خاک [مقدار] بیش‌تر و بیش‌تری از آن را آزاد می‌کنند.

- (۱) جایگزین کردن، جانشین کردن؛ سر جای خود برگرداندن
(۲) بزرگ کردن؛ بزرگ‌نمایی کردن
(۳) جذب کردن، به خود کشیدن
(۴) درگیر کردن؛ مستلزم ... بودن

۸۴ ۲ تحصیلات رسمی او محدود بود؛ او از اختلالات روحی رنج می‌برد و به این دلیل فقط در هشت سال از مدرسه حضور یافت و هرگز به دبیرستان نرفت.

- (۱) موقعیت، شرایط (۲) بی‌نظمی؛ اختلال
(۳) شخصیت (۴) احترام؛ ملاحظه

۸۵ ۴ از وقتی که دویدن آهسته و توجه به چیزی که می‌خورم را آغاز کردم، وزنم حدود یک پوند در هفته کاهش یافته است.

- (۱) بهبود بخشیدن؛ بهبود یافتن (۲) تبدیل کردن، تغییر دادن
(۳) ماندن، باقی ماندن (۴) کاهش دادن؛ کاهش یافتن

۸۶ ۱ اغلب مونوکسید کربن به عنوان قاتل خاموش شناخته می‌شود چون که این گاز غیرقابل رؤیت است و هیچ بو یا طعمی ندارد.

- (۱) غیرقابل رؤیت، نامرئی
(۲) جنبشی، حرکتی
(۳) منفعل، تأثیرپذیر؛ [در دستور زبان] مجهول
(۴) جسمانی؛ فیزیکی

۸۷ ۲ ایسلند یک کشور دورافتاده با منابع طبیعی محدود است و باید کالاها را از بیش از ۴۰ کشور وارد کند.

- (۱) جانشین؛ گزینش (۲) ذخیره؛ منبع
(۳) ترکیب؛ [شیمی] محلول (۴) کارکرد، عملکرد

از زمانی که نخستین اجداد ما کشف کردند که چوب روی آب شناور می‌ماند، کشتی‌ها و قایق‌ها نقش مهمی را در تاریخ بشر ایفا کرده‌اند. نخستین قایق‌ها به مردم کمک می‌کردند [تا] از نهرها و رودخانه‌ها عبور کنند و شکارچیان را به آب‌های کم‌عمق می‌بردند تا بتوانند ماهیگیری کنند. هنگامی که مردم خانه‌های خود را برای کشف سرزمین‌های جدید ترک کردند، شیوه‌های بهتر ساخت کشتی‌ها و قایق‌ها شروع به توسعه یافتن کرد. از آن جایی که بیش از دو سوم زمین با آب پوشیده شده است، این کاوشگران اولیه باید برای کشف خشکی‌های جدید به دریا می‌رفتند، و آن‌ها به کشتی‌هایی نیاز داشتند که بتوانند سفرهای دریایی طولانی انجام دهند. کشتی‌ها و قایق‌ها در طول هزاران سال و هم‌زمان با شروع تجارت کشورهای دور [با یکدیگر] و جنگ نیروهای دریایی مخالف [در] نبردهای دریایی تغییر یافتند و پیشرفت کردند. امروزه هزاران نوع مختلف کشتی و قایق وجود دارد. کشتی‌ها، شناورهای دریایی هستند؛ قایق‌ها معمولاً کوچک‌تر هستند و در آب‌های ساحلی یا درون مرزی سفر می‌کنند.

۷۵ ۲ با توجه به این‌که خداوند نصیحت‌گر حقیقی مردم است، او در فرمان‌هایش به ضررها و منافع یک عمل نگاه می‌کند، نه دوست داشتن یا نداشتن مردم. قرآن کریم می‌فرماید: «... و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»؛ پس علت لزوم اعتماد به احکام الهی، علم نامحدود خداوند و جهل انسان است.

زبان انگلیسی

۷۶ ۳ A: «ماشینم خراب شده است. می‌توانید به من کمک کنید؟»
B: «اگر در مورد اتومبیل‌ها، چیزی می‌دانستم، تلاش می‌کردم تا آن را تعمیر کنم، ولی از شما [هم] کم‌تر می‌دانم.»

توضیح: با توجه به مفهوم جمله در این جا جمله به یک شرط فرضی یا خیالی در زمان حال و آینده اشاره دارد؛ بنابراین ساختار شرطی نوع دوم مدنظر است و در بند شرط به فعل گذشته‌ی ساده (در این مورد "knew") نیاز داریم و بند جواب شرط با فعل آینده در گذشته‌ی ساده (شکل ساده‌ی فعل + would) کامل می‌شود.

۷۷ ۴ او پیشنهاد می‌کند که ما باید به جای رفتن به استادیوم مسابقه‌ی فوتبال را در تلویزیون تماشا کنیم.

توضیح: طبق مفهوم جمله، در جای خالی به مفهوم «به جای، در عوض» نیاز داریم و در نتیجه پاسخ در بین گزینه‌های (۱) و (۴) خواهد بود.

دقت کنید: بعد از حروف اضافه (مانند of و than) فعل به صورت اسم مصدر (ing) به کار می‌رود.

۷۸ ۳ پارسال، بیش از نیمی از افرادی که دوره را کامل کردند، توانستند سیگار کشیدن را ترک کنند.

توضیح: بعد از "quit" (ترک کردن؛ رها کردن) و "give up" (ترک کردن) فعل بعدی به صورت اسم مصدر (ing) به کار می‌رود و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) حذف می‌شوند.

دقت کنید: اگر "stop" به معنی «قطع کردن؛ ترک کردن» فعل دوم باشد، فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۷۹ ۲ A: «فروش‌ها در سه ماه ابتدایی این سال افزایش یافته‌اند و پیش‌بینی آن است که آن‌ها [هم‌چنان] افزایش خواهند یافت.»

B: «[این] خبری فوق‌العاده [است].»

توضیح: اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (have / has + p.p.) برای اشاره به عملی است که در گذشته آغاز شده و تاکنون به صورت پیوسته یا متناوب ادامه داشته است؛ بنابراین در جای خالی اول طبق مفهوم جمله به زمان حال کامل نیاز داریم.

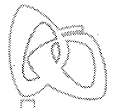
دقت کنید: چون فعل قرار گرفته در جای خالی دوم به عملی اشاره دارد که در آینده انجام خواهد شد، در این مورد فعل آینده‌ی ساده (شکل ساده‌ی فعل + will) را به کار می‌بریم.

۸۰ ۲ امیدوارم که دانشمندان روزی منبع جدیدی از انرژی را بیابند که برای محیط‌زیست نسبت به نفت و انرژی هسته‌ای کم‌تر زیان‌بار باشد.

- (۱) آلوده (۲) مضر، زیان‌بار
(۳) تجدیدپذیر، تجدیدشدنی (۴) مکانیکی

۸۱ ۱ یک ضرب‌المثل قدیمی هست که اظهار می‌کند که یک تیر را می‌توان از زخم بیرون کشید، ولی کلمه‌ای آزاردهنده برای همیشه در قلب شما باقی می‌ماند.

- (۱) برای همیشه، همواره (۲) از این سو به آن سو؛ از عرض
(۳) یکراست، مستقیم (۴) تاکنون، تا به حال



۱۱۸ (۱) حمل کردن، بردن

- (۲) جایگزین کردن، جانشین کردن؛ سر جای خود برگرداندن
(۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از
(۴) متصل کردن، وصل کردن

۸۹ (۳) (۱) کشف کردن؛ پی بردن، فهمیدن

- (۲) شناسایی کردن، شناختن
(۳) توسعه دادن؛ شکل دادن؛ شکل گرفتن؛ توسعه یافتن
(۴) اختراع کردن؛ ابداع کردن

۹۰ (۳) توضیح: فعل "cover" (پوشاندن) در این جا جزء افعال

متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این جا "more than two-thirds of the Earth" پیش از جای خالی قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌ها، تنها گزینه‌ی (۳) دارای ساختار مجهول است.

۹۱ (۴) توضیح: طبق مفهوم جمله، برای پیوند دادن دو بند آن، هم

می‌توان از "and" استفاده کرد و هم از "so".

دقت کنید: طبق معنی جمله، هم "ship" (کشتی) و هم "voyage" (سفر دریایی) به صورت جمع مورد نیاز هستند.

نکته‌ی آخر این‌که در این تست ضمیر موصولی "that" حالت فاعلی دارد و در نتیجه قابل حذف نیست.

۹۲ (۳)

(۱) انجام دادن؛ اجرا کردن

(۲) بزرگ کردن؛ بزرگ‌نمایی کردن

(۳) بهبود بخشیدن؛ بهبود یافتن؛ پیشرفت کردن

(۴) گردآوری کردن، تألیف کردن

چه چیزی باعث باران باریدن می‌شود؟ باران از ابرها فرو می‌ریزد به همان دلیلی که هر چیزی به زمین فرو می‌افتد. نیروی جاذبه‌ی زمین آن را می‌کشد. اما هر ابر از قطرات آب یا بلورهای یخ تشکیل شده است. چرا باران یا برف به طور مداوم از همی ابرها فرو نمی‌ریزد؟ قطرات [آب] یا بلورهای یخ در ابرها خیلی کوچک هستند. اثر نیروی جاذبه بر آن‌ها جزئی است. جریان‌های هوا حرکت می‌کنند و قطرات [آب] را بلند می‌کنند، به طوری که [میزان] نهایی جابه‌جایی رو به پایین، صفر باشد هر چند قطرات [آب] در حرکت ثابت باشند.

قطرات [آب] و بلورهای یخ تا حدی مانند گرد و غبار در هوا عمل می‌کنند که در پرتو نور خورشید قابل دیدن می‌شود. برای یک مشاهده‌کننده‌ی معمولی، به نظر می‌رسد که گرد و غبار به طرز کاملاً تصادفی عمل می‌کند، در حال جابه‌جایی بی‌نظم [و] بدون جهت معین (ثابت). اما در واقع ذرات گرد و غبار بسیار بزرگ‌تر از قطرات آب هستند و در نهایت فرو می‌ریزند. یک قطره‌ی ابر متوسط تنها ۱/۲۵۰۰ اینچ قطر دارد. آن (قطره) آن قدر کوچک است که در هوای کاملاً ساکن شانزده ساعت طول می‌کشد تا نیم‌مایل سقوط کند، و از هوای متحرک به هیچ‌وجه [به زمین] سقوط نمی‌کند. تنها زمانی که [اندازه‌ی] قطره‌ی [آب] به قطر ۱/۱۲۵ اینچ یا بزرگ‌تر می‌رسد، می‌تواند از ابر فرو ریزد. قطره‌ی باران متوسط دارای یک میلیون برابر آب بیش‌تر نسبت به یک قطره‌ی ابر ریز است. رشد [اندازه‌ی] یک قطره‌ی ابر به اندازه‌ی کافی بزرگ برای فرو ریختن، دلیل باران و دیگر اشکال بارش است. این فرآیند افزایشی مهم «انعقاد» (به هم آمیختگی) نامیده می‌شود.

۹۳ (۳) چرا تمام بلورهای یخ در ابرها فوراً روی زمین فرو نمی‌ریزند؟

(۱) آن‌ها توسط فشار قطرات باران متوازن می‌شوند.

(۲) تأثیر گرانش در ارتفاع بالا تصادفی است.

(۳) آن‌ها توسط جریان‌های هوا در هوا نگه داشته می‌شوند.

(۴) حرارت اشعه‌های خورشید آن‌ها را ذوب می‌کند.

۹۴ (۲) کلمه‌ی "minute" (ریز، خیلی کوچک؛ جزئی) در پاراگراف

اول، نزدیک‌ترین معنی را به کدام یک از موارد زیر دارد؟

(۱) ثانیه (۲) ریز، خیلی کوچک؛ جزئی

(۳) کند، آهسته (۴) قابل پیش‌بینی

۹۵ (۳) چه چیزی را می‌توان در مورد قطرات آب دارای قطر بیش‌تر

از ۱/۱۲۵ اینچ برداشت کرد؟

(۱) آن‌ها هرگز یافت نمی‌شوند.

(۲) آن‌ها تحت تأثیر نیروی جاذبه نیستند.

(۳) در هوای ساکن آن‌ها به [سوی] زمین سقوط خواهند کرد.

(۴) در هوای متحرک آن‌ها با سرعت سی و دو مایل در ساعت سقوط می‌کنند.

۹۶ (۲) در این متن کلمه‌ی "coalescence" (انعقاد؛ به هم آمیختگی)

به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) گرد آمدن ابرهای کوچک برای شکل دادن ابرهای بزرگ‌تر

(۲) رشد قطرات ریز به [قطرات] بزرگ‌تر

(۳) فرو ریختن قطرات باران و دیگر بارش‌ها

(۴) حرکت ذرات گرد و غبار در نور آفتاب

جین آدامز، اولین زن آمریکایی برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل، در [سال] ۱۸۶۰ در یک خانواده‌ی ثروتمند متولد شد. او یکی از معدود زنان در نسل خودش بود که از کالج فارغ‌التحصیل می‌شد. تعهد او به بهبود زندگی اطرافیانش، او را به کار برای اصلاحات اجتماعی و صلح جهانی هدایت کرد. جین آدامز در دهه‌ی ۱۸۸۰ به اروپا سفر کرد. هنگامی که در لندن بود، از یک «قرارگاه خیریه» به نام توین‌بی هال بازدید کرد. آدامز و دوستش الن گیتس استار که از توین‌بی هال الهام گرفتند، هال هاوس را در محله‌ی فقیرنشین‌ها در شیکاگو در [سال] ۱۸۹۹ باز کردند (تأسیس کردند). هال هاوس یک مرکز مراقبت روزانه برای کودکان مادران شاغل، یک آشپزخانه‌ی عمومی و پرستاران سیار فراهم کرد. آدامز و کارکنان او کلاس‌هایی در [رابطه با] سوادآموزی انگلیسی، هنر و سایر موضوعات ارائه دادند. هم‌چنین هال هاوس محل [برگزاری] جلسه برای انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری شد. اکثر افرادی که با آدامز در هال هاوس کار می‌کردند، زنان تحصیل‌کرده [و از] طبقه‌ی متوسط بودند. هال هاوس به آن‌ها فرصتی برای استفاده از تحصیلاتشان می‌داد، و محلی تمرینی برای مشاغل در [حوزه‌ی] فعالیت اجتماعی فراهم می‌کرد.

قبل از جنگ جهانی اول، آدامز احتمالاً محبوب‌ترین زن در آمریکا بود. در یک نظرسنجی روزنامه که پرسیده بود «چه کسی از میان معاصران ما بیش‌ترین ارزش را برای جامعه دارد؟»، جین آدامز پس از توماس ادیسون، رتبه‌ی دوم را کسب کرد. با این وجود، هنگامی که او با دخالت آمریکا در جنگ جهانی اول مخالفت کرد، سردبیران روزنامه او را یک خائن (مبهن‌فروش) و یک احمق نامیدند، اما او هرگز تغییر عقیده نداد. جین آدامز یک قهرمان (مبارز) قوی [در مورد] چندین آرمان دیگر [نیز] بود. تا [سال] ۱۹۲۰ زنان آمریکایی نمی‌توانستند رأی بدهند (حق رأی نداشتند). آدامز به جنبش حق رأی زنان پیوست و معاون رئیس [در] انجمن حق رأی ملی زنان آمریکایی بود. او عضو مؤسس انجمن ملی برای پیشرفت (ترقیع) مردم رنگین‌پوست (NAACP) و رئیس اتحادیه‌ی بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی بود. وی در [سال] ۱۹۳۵ از [بیماری] سرطان فوت کرد.



این تساوی نادرست است، پس دنباله، حسابی نیست.

$$3) a_{n+1} = \frac{2}{a_n}, a_1 = 2$$

$$\xrightarrow{n=1} a_2 = \frac{2}{a_1} = \frac{2}{2} = 1$$

$$\xrightarrow{n=2} a_3 = \frac{2}{a_2} = \frac{2}{1} = 2$$

دنباله: ۲, ۱, ۲, ...

$$\text{قانون دنباله‌ی حسابی: } 2(1) = 2 + 2 \Rightarrow 2 = 4$$

این تساوی نادرست است، پس دنباله، حسابی نیست.

$$4) a_{n+1} - a_n = 2$$

$$\xrightarrow{n=1} a_2 - a_1 = 2$$

$$\xrightarrow{n=2} a_3 - a_2 = 2$$

تفاضل دو جمله‌ی متوالی همواره عدد ثابت ۲ است، پس این رابطه معرف یک دنباله‌ی حسابی با اختلاف مشترک ۲ است.

$$a_1 = 2500, d = 125, a_n = 7000, n = ?$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow 7000 = 2500 + (n-1)125$$

$$\Rightarrow 7000 - 2500 = 125(n-1) \Rightarrow 4500 = 125(n-1)$$

$$\Rightarrow n-1 = \frac{4500}{125} = 36 \Rightarrow n-1 = 36 \Rightarrow n = 37$$

$$3, 5, 7, \dots \quad d = 2, a_1 = 3$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow a_{n+1} = 3 + (n+1-1)2 = 3 + 2n = 2n + 3$$

$$a, b, c \text{ طبق رابطه‌ی } 2b = a + c \text{ برای سه جمله‌ی متوالی } a, b, c$$

در دنباله‌ی حسابی داریم:

$$2(2x-9) = x-1 + x-7 \Rightarrow 4x-18 = 2x-8$$

$$\Rightarrow 4x-2x = -8+18 \Rightarrow 2x = 10 \Rightarrow x = \frac{10}{2} = 5$$

$x = 5$ را جایگزین می‌کنیم:

$$(5) - 1, 2(5) - 9, (5) - 7 \Rightarrow \text{دنباله: } 4, 1, -2, \dots$$

$$a_1 = 4, d = 1 - 4 = -3$$

$$a_{12} = a_1 + 11d \Rightarrow a_{12} = 4 + 11(-3) = 4 - 33 = -29$$

$$d = \frac{b-a}{n+1} \Rightarrow d = \frac{93-15}{12+1} = \frac{78}{13} = 6$$

$$a_9 = a_1 + 8d \Rightarrow a_9 = 15 + 8(6) = 15 + 48 = 63$$

$$d = \frac{a_m - a_n}{m - n} = \frac{37 - 25}{12 - 8} = \frac{12}{4} = 3$$

$$a_8 = a_1 + 7d \Rightarrow 25 = a_1 + 7(3) \Rightarrow a_1 = 25 - 21 = 4$$

$$a_{23} = a_1 + 22d = 4 + 22(3) = 4 + 66 = 70$$

$$a_1 + a_7 + a_{13} = 15 \Rightarrow a_1 + a_1 + d + a_1 + 2d = 15$$

$$\Rightarrow 3a_1 + 3d = 15 \xrightarrow{\div 3} a_1 + d = 5 \quad (1)$$

$$a_4 + a_8 = 25 \Rightarrow a_1 + 3d + a_1 + 7d = 25 \Rightarrow 2a_1 + 10d = 25 \quad (2)$$

$$\begin{cases} a_1 + d = 5 & \times(-2) \\ 2a_1 + 10d = 25 \end{cases} \rightarrow \begin{cases} -2a_1 - 2d = -10 \\ 2a_1 + 10d = 25 \end{cases}$$

$$\Delta d = 15 \Rightarrow d = \frac{15}{5} = 3$$

$$a_1 + d = 5 \xrightarrow{d=3} a_1 + 3 = 5 \Rightarrow a_1 = 2$$

۹۷) این متن عمدتاً به کدام یک از موضوعات زیر مربوط است؟

۱) اولین اعطا [شدن] جایزه‌ی صلح نوبل به یک زن آمریکایی

۲) فعالیت یک زن برای اصلاحات اجتماعی و صلح جهانی

۳) پیشرفت آغازین فعالیت اجتماعی در آمریکا

۴) کمک‌های زنان تحصیل کرده به جامعه‌ی آمریکا

۹۸) جین آدامز الهام گرفت تا حال هاوس را افتتاح کند چون

که

۱) او در دهه‌ی ۱۸۸۰ به اروپا سفر کرد تا در مورد یک «قرارگاه خیریه‌ی» خاص کسب اطلاع کند

۲) آن به زنان تحصیل کرده فرصتی می‌داد تا در فعالیت اجتماعی مشاغلی را شکل دهند

۳) او از «قرارگاه خیریه‌ای» تونین بی حال در لندن دیدن کرد

۴) از او توسط یک «قرارگاه خیریه» در شیکاگو دعوت شد

۹۹) کلمه‌ی «their» در پاراگراف اول به «middle-class women» اشاره دارد.

۱) کودکانِ مادرانِ شاغل

۲) پرستاران سیار

۳) زنان طبقه‌ی متوسط

۴) اعضای اتحادیه‌ی کارگری

۱۰۰) طبق متن، شهرت جین آدامز وقتی آسیب دید که او

۱) اجازه داد تا حال هاوس محل جلسه‌ی انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری شود

۲) به جنبش حق رأی زنان پیوست

۳) عضو مؤسس انجمن ملی برای پیشرفت (ترفع) مردم رنگین پوست (NAACP) شد

۴) با دخالت آمریکا در جنگ جهانی اول مخالفت کرد

ریاضی و آمار

۱۰۱) $d = \frac{3}{5} - \frac{11}{10} = \frac{6-11}{10} = -\frac{5}{10} = -\frac{1}{2}$

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow a_{13} = a_1 + 12d = \frac{11}{10} + 12\left(-\frac{1}{2}\right) = \frac{11}{10} - 6 = \frac{11-60}{10} = -\frac{49}{10} = -4\frac{9}{10}$$

۱۰۲) نکته: اگر a, b, c سه جمله‌ی متوالی یک دنباله‌ی حسابی باشند، همواره رابطه‌ی $2b = a + c$ بین آن‌ها برقرار است.

بررسی گزینه‌ها:

۱) $a_{n+1} = 2a_n + 1, a_1 = 2$

$$\xrightarrow{n=1} a_2 = 2a_1 + 1 = 2(2) + 1 = 5$$

$$\xrightarrow{n=2} a_3 = 2a_2 + 1 = 2(5) + 1 = 11$$

دنباله: ۲, ۵, ۱۱, ...

$$\text{قانون دنباله‌ی حسابی: } 2(5) = 2 + 11 \Rightarrow 10 = 13$$

این تساوی نادرست است، پس دنباله، حسابی نیست.

۲) $a_{n+1} = (a_n)^2 + 1, a_1 = 2$

$$\xrightarrow{n=1} a_2 = (a_1)^2 + 1 = (2)^2 + 1 = 5$$

$$\xrightarrow{n=2} a_3 = (a_2)^2 + 1 = (5)^2 + 1 = 26$$

دنباله: ۲, ۵, ۲۶, ...

$$\text{قانون دنباله‌ی حسابی: } 2(5) = 2 + 26 \Rightarrow 10 = 28$$

ضابطه‌ی تابع $f(x)$ به صورت زیر است: **۱ ۱۱۷**

$$f(x) = \frac{1}{x+4} = \frac{1}{2(x+4)}$$

$$f\left(\frac{1}{2}\right) = \frac{1}{2\left(\frac{1}{2}+4\right)} = \frac{1}{2\left(\frac{9}{2}\right)} = \frac{1}{9}$$

طبق نمودار داده‌شده $f(-2)=0$, $f(0)=4$, $f(3)=-2$ و $f(-3)=-4$ است. پس: **۲ ۱۱۸**

$$\frac{2f(3)-f(0)}{f(-2)+f(-3)} = \frac{2(-2)-4}{0+(-4)} = \frac{-4-4}{-4} = \frac{-8}{-4} = 2$$

۴ ۱۱۹

$$f(x) = x^2 - 2x$$

$$\Rightarrow f(x+1) = (x+1)^2 - 2(x+1) = x^2 + 2x + 1 - 2x - 2 = x^2 - 1$$

$$f(x+1) - f(x) = (x^2 - 1) - (x^2 - 2x) = x^2 - 1 - x^2 + 2x = 2x - 1$$

۳ ۱۲۰

$$m = \frac{y_2 - y_1}{x_2 - x_1} = \frac{6 - (-2)}{-3 - (-1)} = \frac{6+2}{-3+1} = \frac{8}{-2} = -4$$

$$y = mx + n \xrightarrow{x=-3, y=6} 6 = (-4)(-3) + n$$

$$\Rightarrow 6 = 12 + n \Rightarrow n = -6$$

$$y = mx + n \xrightarrow{n=-6} y = -4x - 6$$

$$\xrightarrow{y=0} 0 = -4x - 6 \Rightarrow 4x = -6$$

$$\Rightarrow x = \frac{-6}{4} = \frac{-3}{2} = -1.5$$

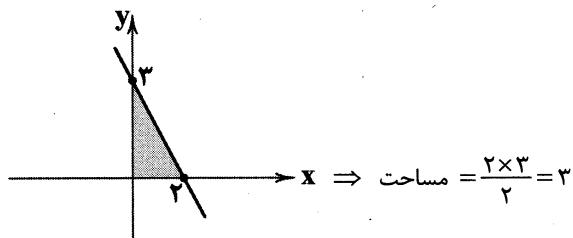
۱ ۱۲۱

$$2y + 3x = 6 \Rightarrow 2y = -3x + 6 \xrightarrow{\div 2} y = -\frac{3}{2}x + 3$$

$$\xrightarrow{x=0} y = -\frac{3}{2}(0) + 3 \Rightarrow y = 3$$

محل تلاقی با محور y ها

$$\xrightarrow{y=0} 0 = -\frac{3}{2}x + 3 \Rightarrow \frac{3}{2}x = 3 \Rightarrow x = \frac{2}{2} = \frac{6}{2} = 3$$

محل تلاقی با محور x هاهمواره محل تلاقی سهمی با محور تقارنش، رأس آن است. **۲ ۱۲۲**

$$y = -\frac{1}{2}x^2 - \frac{3}{2}x + 4$$

$$x_s = -\frac{b}{2a} = \frac{-(-\frac{3}{2})}{2(-\frac{1}{2})} = \frac{\frac{3}{2}}{-1} = -\frac{3}{2}$$

$$\Rightarrow y_s = -\frac{1}{2}\left(-\frac{3}{2}\right)^2 - \frac{3}{2}\left(-\frac{3}{2}\right) + 4 = -\frac{1}{2}\left(\frac{9}{4}\right) + \frac{9}{4} + 4$$

$$= -\frac{9}{8} + \frac{9}{4} + 4 = \frac{-9+18+32}{8} = \frac{41}{8} = 5\frac{1}{8}$$

یک دنباله‌ی حسابی با $a_1 = -4$ و اختلاف مشترک $d = \frac{1}{2}$ **۴ ۱۰۹**

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d) \Rightarrow S_{17} = \frac{17}{2}(2(-4) + (17-1)\left(\frac{1}{2}\right))$$

$$= \frac{17}{2}(-8 + 16\left(\frac{1}{2}\right)) = \frac{17}{2}(-8 + 8) = \frac{17}{2}(0) = 0$$

یک دنباله‌ی حسابی با $a_1 = 2$ و $d = 6 - 2 = 4$ داریم. ابتدا باید بدانیم این دنباله شامل چند جمله است: **۲ ۱۱۰**

$$a_1 = 2, d = 4, a_n = 74, n = ?$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow 74 = 2 + (n-1)4 \Rightarrow 74 = 2 + 4n - 4$$

$$\Rightarrow 74 = 4n - 2 \Rightarrow 74 + 2 = 4n \Rightarrow 76 = 4n \Rightarrow n = \frac{76}{4} = 19$$

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n) \Rightarrow S_{19} = \frac{19}{2}(2 + 74) = \frac{19}{2}(76) = 19 \times 38 = 722$$

۴ ۱۱۱

$$a_n = \Delta n - 1$$

$$\xrightarrow{n=1} a_1 = \Delta(1) - 1 = 4$$

$$\xrightarrow{n=15} a_{15} = \Delta(15) - 1 = 74$$

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n) \Rightarrow S_{15} = \frac{15}{2}(4 + 74) = \frac{15}{2}(78) = 15 \times 39 = 585$$

در یک دنباله‌ی حسابی همواره داریم: **۱ ۱۱۲**

$$a_n = S_n - S_{n-1} \Rightarrow a_9 = S_9 - S_8$$

$$\left\{ \begin{aligned} S_9 &= 3(9)^2 + 1 = 3(81) + 1 = 243 + 1 = 244 \\ S_8 &= 3(8)^2 + 1 = 3(64) + 1 = 192 + 1 = 193 \end{aligned} \right.$$

$$\Rightarrow a_9 = 244 - 193 = 51$$

۳ ۱۱۳

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_6 = a_1 \times r^5 = 1600 \left(\frac{1}{2}\right)^5 = 1600 \times \frac{1}{32}$$

$$= \frac{1600}{32} = 50$$

۴ ۱۱۴

$$128, 64, 32, \dots \Rightarrow r = \frac{32}{64} = \frac{1}{2}, a_1 = 128, a_n = \frac{1}{64}$$

$$a_n = a_1 \times r^{n-1} \Rightarrow \frac{1}{64} = 128 \left(\frac{1}{2}\right)^{n-1} \xrightarrow{\div 128} \frac{1}{64} \times \frac{1}{128} = \left(\frac{1}{2}\right)^{n-1}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{2^6} \times \frac{1}{2^7} = \frac{1}{2^{n-1}} \Rightarrow \frac{1}{2^{13}} = \frac{1}{2^{n-1}} \Rightarrow 2^{13} = 2^{n-1}$$

$$\Rightarrow n-1 = 13 \Rightarrow n = 14$$

یک دنباله‌ی هندسی با $a_1 = 200$ و نسبت مشترک $r = \frac{1}{4}$ **۱ ۱۱۵**

داریم:

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_5 = a_1 \times r^4 = 200 \left(\frac{1}{4}\right)^4 = 200 \times \frac{1}{4^4}$$

$$= 200 \times \frac{1}{256} = \frac{25}{32}$$

۲ ۱۱۶

$$2m - 4 = 6 \Rightarrow 2m = 6 + 4 \Rightarrow 2m = 10 \Rightarrow m = \frac{10}{2} = 5$$

$$m + 2 = 2n + 8 \xrightarrow{m=5} 5 + 2 - 8 = 2n \Rightarrow -1 = 2n \Rightarrow n = -\frac{1}{2}$$



۲ ۱۲۷

f تابع همانی است؛ یعنی $f(x) = x$ و g تابعی ثابت است؛ یعنی $g(x) = c$.
پس داریم:

$$\begin{aligned} 2f(-3) &= g(4) \Rightarrow 2(-3) = g(4) \Rightarrow g(4) = -6 \Rightarrow g(x) = -6 \\ g(x) &= -6 \Rightarrow g(0) = -6 \\ 4f(1) &= 4 \times 1 = 4 \end{aligned} \Rightarrow g(0) + 4f(1) = -6 + 4 = -2$$

۱ ۱۲۸

$$\begin{aligned} -\sqrt{2} < 1 &\Rightarrow f(-\sqrt{2}) = -(-\sqrt{2})^2 - 2 = -2 - 2 = -4 \\ \Rightarrow 5f(-\sqrt{2}) &= 5 \times -4 = -20 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} 1 < \sqrt{2} < 2 &\Rightarrow f(\sqrt{2}) = -(\sqrt{2})^2 - 1 = -2 - 1 = -3 \\ \Rightarrow 2f(\sqrt{2}) &= 2 \times -3 = -6 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} 2\sqrt{3} > 2 &\Rightarrow f(2\sqrt{3}) = -(2\sqrt{3})^2 + 1 = -(4 \times 3) + 1 \\ = -12 + 1 &= -11 \Rightarrow 2f(2\sqrt{3}) = 2 \times (-11) = -22 \end{aligned}$$

$$\Rightarrow \text{حاصل عبارت} = \frac{-20 - 6}{-22} = \frac{-26}{-22} = \frac{26}{22} = \frac{13}{11}$$

۳ ۱۲۹

$$f\left(\frac{1}{2}\right) = \frac{1 - \left(\frac{1}{2}\right)^2}{2\left(\frac{1}{2}\right)} = \frac{1 - \frac{1}{4}}{1} = \frac{3}{4} \Rightarrow \left[\frac{3}{4}\right] = 0$$

$$f\left(\frac{3}{2}\right) = \frac{1 - \left(\frac{3}{2}\right)^2}{2\left(\frac{3}{2}\right)} = \frac{1 - \frac{9}{4}}{3} = \frac{\frac{4-9}{4}}{3} = \frac{-\frac{5}{4}}{3} = -\frac{5}{12} \Rightarrow \left[-\frac{5}{12}\right] = -1$$

$$\Rightarrow \left[f\left(\frac{3}{2}\right)\right] - \left[f\left(\frac{1}{2}\right)\right] = -1 - 0 = -1$$

گزینه (۱) را بررسی می‌کنیم: ۱ ۱۳۰

$$1) \ 0 \leq x < 1 \Rightarrow [x] = 0 \Rightarrow y = x - 0 \Rightarrow y = x \quad \begin{array}{c|c} x & 0 \\ \hline y & 0 \end{array}$$

$$1 \leq x < 2 \Rightarrow [x] = 1 \Rightarrow y = x - 1 \quad \begin{array}{c|c} x & 1 \ 2 \\ \hline y & 0 \ 1 \end{array}$$

$$2 \leq x < 3 \Rightarrow [x] = 2 \Rightarrow y = x - 2 \quad \begin{array}{c|c} x & 2 \ 3 \\ \hline y & 0 \ 1 \end{array}$$

$$3 \leq x < 4 \Rightarrow [x] = 3 \Rightarrow y = x - 3 \quad \begin{array}{c|c} x & 3 \ 4 \\ \hline y & 0 \ 1 \end{array}$$

$$4 \leq x < 5 \Rightarrow [x] = 4 \Rightarrow y = x - 4 \quad \begin{array}{c|c} x & 4 \ 5 \\ \hline y & 0 \ 1 \end{array}$$

بررسی سایر گزینه‌ها بر عهدهی خودتان!

۴ ۱۳۱

$$f(x) = \frac{1}{4}x^2 + |2x|$$

$$f(2 - \sqrt{6}) = \frac{1}{4}(2 - \sqrt{6})^2 + |2(2 - \sqrt{6})|$$

$$= \frac{1}{4}(4 - 4\sqrt{6} + 6) + |4 - 2\sqrt{6}|$$

$$= \frac{1}{4}(10 - 4\sqrt{6}) + (2\sqrt{6} - 4) = 5 - 2\sqrt{6} + 2\sqrt{6} - 4 = 1$$

دهانه‌ی سهمی روبه بالا باز شده است، پس ضریب x^2 مثبت است (نادرستی گزینه‌ی (۳)). طول رأس سهمی را در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) محاسبه می‌کنیم:

$$x = \frac{-b}{2a} \begin{cases} 1) \ x = \frac{-(-4)}{2(2)} = \frac{4}{4} = 1 \\ 2) \ x = \frac{-(-4)}{2(1)} = \frac{4}{2} = 2 \\ 4) \ x = \frac{-(-4)}{2(1)} = \frac{-4}{2} = -2 \end{cases}$$

با توجه به شکل، از آن‌جا که طول رأس سهمی در ناحیه‌ی منفی محور x ‌هاست، پس پاسخ گزینه‌ی (۴) است.

$f(5) = 2 \Rightarrow (5, 2)$, $f(3) = -4 \Rightarrow (3, -4)$ ۱ ۱۳۴

$$m = \frac{2 - (-4)}{5 - 3} = \frac{2 + 4}{2} = \frac{6}{2} = 3$$

$$y = mx + n \xrightarrow{x=5, y=2} 2 = (3)(5) + n \Rightarrow 2 - 15 = n$$

$$\Rightarrow n = -13 \Rightarrow f(x) = y = 3x - 13$$

برای یافتن نقطه‌ی تلاقی خط با سهمی، دو معادله را برابر هم قرار می‌دهیم:

$$\begin{cases} y = x^2 - 3x - 5 \\ y = 3x - 13 \end{cases} \Rightarrow x^2 - 3x - 5 = 3x - 13$$

$$\Rightarrow x^2 - 3x - 5 - 3x + 13 = 0 \Rightarrow x^2 - 6x + 8 = 0$$

$$\Rightarrow (x - 2)(x - 4) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x - 2 = 0 \Rightarrow x = 2 \\ x - 4 = 0 \Rightarrow x = 4 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{x=2} y = 3(2) - 13 = 6 - 13 = -7 \Rightarrow A(2, -7)$$

$$\xrightarrow{x=4} y = 3(4) - 13 = 12 - 13 = -1 \Rightarrow B(4, -1)$$

۲ ۱۳۵

$$P(x) = R(x) - C(x)$$

$$P(x) = \left(-\frac{1}{4}x^2 + 120x\right) - (40x + 3000)$$

$$P(x) = -\frac{1}{4}x^2 + 120x - 40x - 3000$$

$$P(x) = -\frac{1}{4}x^2 + 80x - 3000$$

با توجه به این‌که نمودار معادله‌ی سود، یک سهمی است، عرض رأس سهمی مقدار ماکسیمم سود است.

$$x_s = -\frac{b}{2a} = \frac{-80}{2\left(-\frac{1}{4}\right)} = \frac{-80}{-\frac{1}{2}} = 160$$

$$\Rightarrow y_s = -\frac{1}{4}(160)^2 + 80(160) - 3000$$

$$= 160\left(-\frac{1}{4}(160) + 80\right) - 3000 = 160(-40 + 80) - 3000$$

$$= 160(40) - 3000 = 6400 - 3000 = 3400$$

۴ ۱۳۶

در یک تابع اگر مؤلفه‌های اول دو زوج مرتب، یکسان باشند، باید مؤلفه‌های دوم آن‌ها نیز یکسان باشند:

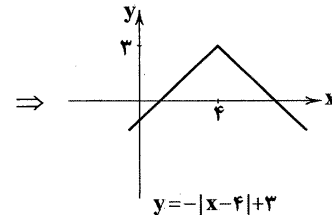
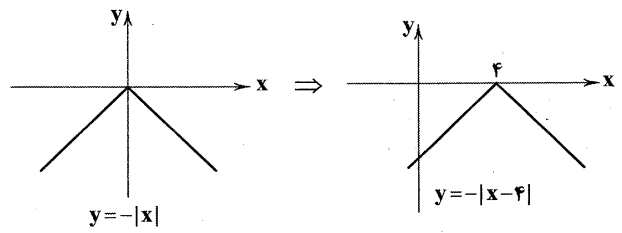
$$\left. \begin{matrix} (-2, 5) \\ (-2, n+1) \end{matrix} \right\} \Rightarrow n+1 = 5 \Rightarrow n = 4$$

$$\left. \begin{matrix} (4, -3) \\ (n, 2m+1) \end{matrix} \right\} \Rightarrow 2m+1 = -3$$

$$\Rightarrow 2m = -3 - 1 \Rightarrow 2m = -4 \Rightarrow m = \frac{-4}{2} = -2$$



۲ ۱۳۲



مشاهده می‌کنیم که نمودار از ناحیه‌ی دوم عبور نمی‌کند.

۳ ۱۳۳

$$D_f = \{2, 0, -1\}, D_g = \{3, -1, 2\}$$

اشتراک دامنه‌ی دو تابع $D_f \cap D_g = \{-1, 2\}$ است، پس:

$$\left(\frac{g-f}{2f}\right)(-1) = \frac{g(-1)-f(-1)}{2f(-1)} = \frac{2-3}{2(3)} = -\frac{1}{6} \Rightarrow (-1, -\frac{1}{6})$$

$$\left(\frac{g-f}{2f}\right)(2) = \frac{g(2)-f(2)}{2f(2)} = \frac{0-4}{2(4)} = -\frac{4}{8} = -\frac{1}{2} \Rightarrow (2, -\frac{1}{2})$$

نمودار $\frac{g}{f}$ ، همان خط $y = -1$ است؛ بنابراین ضابطه‌یتابع $g(x)$ باید قرینه‌ی ضابطه‌ی تابع $f(x)$ باشد تا حاصل تقسیم آن‌ها -1 گردد. ضمناً نقاط 3 و -3 به دلیل آن‌که ریشه‌های تابع $f(x)$ هستند در نمودار، توخالی نشان داده شده‌اند:

$$f(x) = 0 \Rightarrow x^2 - 9 = 0 \Rightarrow x^2 = 9 \Rightarrow x = \pm 3$$

پس تابع $g(x)$ باید به صورت $g(x) = -(x^2 - 9) = 9 - x^2$ باشد.

۲ ۱۳۵

$$(f-g)\left(\frac{1}{4}\right) = f\left(\frac{1}{4}\right) - g\left(\frac{1}{4}\right)$$

$$f\left(\frac{1}{4}\right) = \left|2\left(\frac{1}{4}\right) - 1\right| = \left|\frac{1}{2} - 1\right| = \left|-\frac{1}{2}\right| = \frac{1}{2}$$

$$g\left(\frac{1}{4}\right) = \sqrt{4\left(\frac{1}{4}\right) + 3} = \sqrt{1+3} = \sqrt{4} = 2$$

$$\Rightarrow f\left(\frac{1}{4}\right) - g\left(\frac{1}{4}\right) = \frac{1}{2} - 2 = -\frac{3}{2}$$

اقتصاد

۲ ۱۳۶

الف) انسان‌ها به دلیل توانایی‌ها و خواسته‌های گوناگونی که دارند، به برقراری ارتباط با یکدیگر نیازمندند. روابط اقتصادی بین آن‌ها نیز براساس همین نیاز شکل می‌گیرد.

ب) در گذشته نبود وسایل حمل و نقل و راه‌های مناسب، هزینه‌های تجارت را افزایش می‌داد، در حالی‌که وجود یا وضع قوانین نامناسب باعث از بین رفتن انگیزه‌های تجارت می‌شد.

الف) به افرادی که محصول را در مرکز تولید خریداری کرده و آن را در مناطق مصرف بین‌المللی به فروش می‌رسانند، در اصطلاح «تاجر» یا «بازرگان» گفته می‌شود.

ب) در حالی‌که گزینه‌های دیگر هم بی‌ارتباط با موضوع نیستند، اما هر کشوری که نیروهای متخصص و آموزش‌دیده‌ی بیش‌تری در اختیار دارد، در زمینه‌ی تجارت جهانی موفق‌تر است. بنابراین مهم‌ترین عامل در این زمینه به حساب می‌آید.

۲ ۱۳۸ مردم هر کشور نیازهای گوناگونی دارند که اغلب، امکانات داخلی برای رفع آن‌ها کافی نیست؛ از این‌رو، کشورهای مختلف باید از طریق تجارت بین‌الملل، نیازهای متقابل یکدیگر را برطرف کنند.

لازم نیست هیچ جامعه‌ای نیازهای خود را محدود سازد. کشورها هر چقدر هم توسعه پیدا کرده باشند، باز هم نمی‌توانند نیازشان از دیگر کشورها را به‌طور کامل قطع نمایند.

۱ ۱۳۹ عوامل متعددی نظیر یکسان نبودن منابع و عوامل تولید، عدم دسترسی یکسان کشورها به فناوری و وضعیت اقلیمی متفاوت در جوامع، توان تولیدی منطقه یا کشوری را در مقایسه با منطقه یا کشور دیگر، تغییر می‌دهد و موجب می‌شود تولید محصولی نسبت به محصول دیگر «مقرون به صرفه‌تر» شود.

۴ ۱۴۰

(۱) دسترسی به کالاهای مرغوب‌تر و ارزان‌تر (۲) تأمین بهای لازم برای خرید کالاهای ضروری وارداتی	} مصرف‌کننده	} فواید تجاری جهانی
(۱) ارتقای سطح تجهیزات و مواد اولیه (۲) دسترسی به بازارهای وسیع‌تر (۳) تلاش بیش‌تر و تولید کارآمدتر		
(۱) انتقال منابع از بخش‌های بدون مزیت به بخش‌های دارای مزیت (۲) افزایش کمیت و کیفیت تولید	} کشور	

۲ ۱۴۱ روابط اقتصادی بین کشورها فقط به تجارت بین‌الملل (مبادله‌ی کالا و خدمات) محدود نمی‌شود، بلکه به مهاجرت نیروی کار و حرکت سرمایه (جابجایی عوامل تولید) از نقطه‌ای از دنیا به نقطه‌ای دیگر که وضع بهتری دارد، نیز اطلاق می‌گردد.

۳ ۱۴۲ کالاهای راهبردی مانند کالاهای ضروری از قبیل دارو، غذا و محصولات کشاورزی و حوزه‌ی انرژی (اعم از نفت و هسته‌ای و انرژی‌های نو) و صنایع نظامی و دفاعی می‌تواند موجب بهانه‌جویی و سلطه‌ی دشمن یا رقیب و ضعف و وابستگی کشور شود، از این‌رو اقتصاددانان به اهمیت خودکفایی در بعضی از تولیدات داخلی و عدم وابستگی برای تأمین آن‌ها از خارج بدون توجه به میزان سود، هزینه و بازار و ... تأکید دارند. این کالاها علاوه‌بر مزیت‌های اقتصادی، منافع سیاسی و غیراقتصادی نیز به همراه دارند.

۴ ۱۴۳ تأکید بر استقلال اقتصادی به معنی جایگزینی تولیدات ملی در تمامی زمینه‌ها به جای واردات نیست و در این فضای رقابتی فقط کسانی برنده‌اند که ضمن شناسایی و افزایش توانمندی‌های تولیدی خود، فرصت‌های بین‌المللی را نیز به خوبی بشناسند و با هوشمندی و کوشش فراوان و افزایش همکاری‌های دوجانبه‌ی بین‌المللی از آن‌ها بهره‌مند شوند.



دقت کنیم! در اوزان دوری، هر نیم‌مصراع را معادل یک مصراع در نظر می‌گیریم و هجای پایانی آن همیشه برابر با هجای بلند است.

(۳)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان مصراع

نی	نی	مَد	نم	سر	خا	ن	ث	سر	خِی	ل	مِه	ما	نا	ن	ث
-	-	U	-	-	-	U	U	-	-	U	-	-	-	U	U
جا	می	دُ	بر	مِه	مَای	گ	نم	تا	شر	م	مِه	مَای	بش	گ	نم
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			

(۴)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

حذف همزه

بو	ی	گ	لا	ور	د	ن	سپ	م	ص	با
-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-
بل	بُ	ل	بی	دل	ن	ن	شپ	ند	خ	موش
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U
مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			فاعل	

بلند بودن هجای پایان مصراع

۱۴۷ ۲

اختیار وزنی قلب

غم	ب	ب	س	را	پَر	د	شد	آ	ت	ش	پَر	وَر	د	شد
-	U	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
گ	ر	ف	ب	د	ج	ن	ما	تو	ب	ت	د	دا	ر	خواست
-	U	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U
مفتعلن				فاعل				مفتعلن				فاعل		

بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان مصراع

بلند بودن هجای پایان نیم‌مصراع در وزن دوری

نو	ب	ت	خا	ن	گ	ذشت	نو	ب	ت	بَس	تان	ر	سید
-	U	U	-	U	U	U	-	U	U	-	-	U	U
صبح	ح	س	عا	د	د	مید	وق	ت	و	صا	ل	ل	قاست
-	U	U	-	U	U	U	-	U	U	-	U	U	U
مفتعلن				فاعل				مفتعلن				فاعل	

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

۱۴۴ ۱ الف) زنجیره‌ی خلق ارزش به تمامی مراحل ایجاد ارزش افزوده می‌گویند.

ب) روش‌های نزدیک شدن به استحکام اقتصادی یا استقلال اقتصادی:

۱) تنوع در راه‌های گوناگون تأمین کالاهای وارداتی یا بازارهای فروش کالاهای صادراتی

۲) فاصله گرفتن از وضعیت تک‌محصولی

۳) خلق مزیت‌های جدید و امکان تأمین بعضی از نیازها در داخل کشور

۴) توجه به علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان

ج) اقتصاد تک‌محصولی، اقتصادی شکننده و آسیب‌پذیر است. زیرا در مواقع بحرانی، امکان تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری مقابل تکانه‌ها، مشکلات و تحریم‌ها را ندارد. کشور تک‌محصولی یا فاقد زنجیره‌ی کامل خلق ارزش، همیشه در رقابت و جنگ اقتصادی محکوم به شکست است.

۱۴۵ ۳ انواع تحریم‌های اقتصادی:

۱- تجاری (مانع‌تراشی در مقابل صادرات و واردات کالا، خدمات و عوامل تولید مثل سرمایه)

۲- مالی (مانع‌تراشی در مقابل مبادلات مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها)

علوم و فنون ادبی

۱۴۶ ۱ تقطیع گزینه‌ی (۱):

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

آ	خر	ن	مَد	نم	تَد	ها	در	با	د	ی	ی	سو	دا
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	U	-	-
عش	ق	ل	ب	شپ	رپ	نت	بس	شو	ر	ب	ر	گی	زد
-	U	U	U	-	-	-	-	-	U	U	U	-	-
مفعول				مفاعیلن				مفعول				مفاعیلن	

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

حذف همزه

بررسی سایر گزینه‌ها:
(۲)

بلند بودن هجای پایان نیم‌مصراع در وزن دوری

بلند بودن هجای پایان مصراع

گر	ث	ب	شَم	شپ	ز	تیر	حم	ل	پ	یا	ری	ز	واست
-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-	U	U
چا	ر	ی	ما	هیچ	نیست	جز	سپ	پ	ر	دا	خ	تن	-
-	U	U	-	-	U	-	U	U	-	-	U	-	-
مفتعلن				فاعل				مفتعلن				فاعل	

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان نیم‌مصراع در وزن دوری

حذف همزه



بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان مصراع

بلند بودن هجای پایان مصراع

مژ	د	ای	دل	ک	م	سپ	ح	ن	ف	سی	می	آ	ید
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-
ک	ز	اند	فا	س	خ	شش	بو	ی	گ	سی	می	آ	ید
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

ابدال ابدال

(۳)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان مصراع

ای	شد	ه	صا	حب	ق	ر	خ	ب	گ	ر
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-
مر	گ	پ	دو	لت	پ	ر	ت	ب	و	ن
-	U	U	-	-	U	-	U	U	-	U

مفتعلن مفتعلن فاعلن فاعلن مفتعلن مفتعلن

حذف همزه

(۴)

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

کوته به بلند

خ	ب	ر	لد	ل	ل	ای	با	پ	پر	سید	ک	من	
U	U	U	-	U	U	-	-	U	U	U	U	-	
نا	ل	ای	می	ش	ن	وم	کز	ق	ف	سی	می	آ	ید
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

حذف همزه

ابدال ابدال

(۴)

حذف همزه

ای	خ	ن	کا	را	ک	او	ر	س	ا	ز	ر	گ	بو
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
ز	ک	ج	ز	ر	گ	بو	د	ر	د	ل	ج	ر	گ
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-

مفتعلن مفتعلن فاعلن فاعلن مفتعلن مفتعلن

حذف همزه

بلند بودن هجای پایان مصراع

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

بلند بودن هجای پایان مصراع

بلند بودن هجای پایان مصراع

بلند بودن هجای پایان مصراع

هیچ	کس	نیست	ک	در	کو	ی	ت	آش	کا	ری	نیست	
-	U	-	U	-	-	U	U	-	-	-	U	
هر	ک	سا	جا	ط	ر	ق	ه	و	سی	می	آ	ید
-	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	-	-

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

حذف همزه

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

ابدال ابدال

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

ز	غ	م	هجر	م	کن	نا	ل	و	فر	یا	د	ک	من
U	U	U	U	U	-	U	U	-	-	-	U	U	-
ز	د	ام	فا	لی	فر	یا	د	ز	سی	می	آ	ید	
U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	-	-	

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

ابدال ابدال



۱۴۹ ۳

به کار بردن فاعلاتن
به جای فاعلاتن

بلند بودن هجای پایان مصراع و حذف همزه

آ	د	می	نیست	مَ	گر	کا	ل	ب	دی	بی	جا	نست
-	U	-	U	U	-	U	U	U	-	-	-	U
آن	ک	گو	ید	ک	مَ	را	میل	پ	د	ر	ت	نست
-	U	-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U

به کار بردن فاعلاتن به جای فاعلاتن
فاعلاتن | فاعلاتن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

به کار بردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

خد	ک	با	شد	ک	ت	را	ب	د	ع	ش	ت	و
-	U	-	U	U	U	-	U	U	-	-	U	U
مَ	گ	ر	هیچ	ن	با	شد	ک	خ	ر	د	ر	نست
U	U	-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U

(۲)

به کار بردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

کس	ن	د	دست	ت	را	یک	ن	ظ	ر	د	ه	م	عمر
-	U	-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U	U
ک	ه	م	عمر	د	ع	گو	ی	ه	و	د	ر	ت	نست
U	U	U	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U	U

(۴)

به کار بردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

ای	ک	شم	ش	ر	ج	ف	ب	س	ر	م	آ	خ	ت	ای
-	U	-	U	U	U	-	U	U	-	-	U	U	U	-
صلیح	ک	کر	دیم	ک	م	ر	س	ر	س	پ	ک	ر	ت	نست
-	U	-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U	U	U

به کار بردن فاعلاتن
به جای فاعلاتن

فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن

۱۵۰ ۲ تقطیع بیت سؤال:

بلند بودن هجای پایان مصراع

به کار بردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

آ	س	مان	را	ع	می	یز	مر	د	ن	بی	کا	را	نست
-	U	-	U	U	U	-	U	U	U	-	-	-	U
نخ	ل	بی	با	ر	ب	دو	ش	چ	م	نا	را	با	رست
-	U	-	U	U	U	-	U	U	U	-	-	-	U

به کار بردن فاعلاتن
به جای فاعلاتن

تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

حذف همزه

ابدال

آ	س	مان	را	ع	می	یز	مر	د	ن	بی	کا	را	نست
-	U	-	U	U	U	-	U	U	U	-	-	-	U
نخ	ل	بی	با	ر	ب	دو	ش	چ	م	نا	را	با	رست
-	U	-	U	U	U	-	U	U	U	-	-	-	U

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند
حذف همزه
ابدال
حذف همزه
فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن

۱۵۱ ۲ وزن این گزینه

«مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است. در رکن مفاعیلن، دو هجای کوتاه در کنار هم وجود ندارد که امکان به وجود آمدن اختیار ابدال را پدید بیاورد.

۱۵۲ ۳ تقطیع گزینه‌ی (۳):

ر	قیب	کیست	ک	در	ما	ج	را	ی	خ	و	ت	ما	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	U	U	-	
ف	ر	ت	ره	ن	ب	رد	تا	ب	ا	ر	من	چ	ر
U	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	U	U

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

بلند بودن هجای پایان مصراع

ابدال

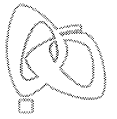
ز	کا	ت	ع	ل	ل	ت	را	ب	سی	ط	ب	کا	رند
-	U	-	U	U	U	-	U	-	U	-	-	-	U
م	یا	ن	ه	ه	ا	ه	ند	د	گ	ب	من	چ	ر
U	U	-	U	U	-	U	U	U	-	U	-	U	U

(۲)

بلند بودن هجای پایان مصراع

ابدال

پ	گر	د	پا	ی	س	م	د	ش	ن	می	ر	س	مش	تا
-	U	-	U	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
ک	دست	بو	س	گ	ند	تا	ب	د	د	د	ه	چ	ر	س
U	U	-	U	U	-	U	U	U	-	U	-	U	U	U



۱۷۴ ۴ گزینه‌ی (۴) یادآور نام «بهباد» از مفاخر هنری دوره‌ی حکومت شاه اسماعیل صفوی است.

۱۷۵ ۱ در گزینه‌ی (۱) «خون ریختن» روی هم؛ کنایه از «کشتن» است، اما «خون» در معنی مجازی (کشتن) به کار نرفته است. در سایر گزینه‌ها واژه‌ی «خون» مجازاً در معنی «کشتن» به کار رفته است.

۱۷۶ ۳ منظور از «مجاز با علاقه‌ی مشابهت» استعاره است. در گزینه‌ی (۲) قمر و شکر تشبیه ساخته‌اند.

صدق: دهان معشوق / گهر: سخن معشوق / پوسته: دهان معشوق / دُر: سخن معشوق / لعل: دهان معشوق (۵ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) لؤلؤ: اشک / نرگس: چشم (۲ مورد)

(۲) قمران: زیبارویان (۱ مورد)

(۴) عید: معشوق / بهار: معشوق / ماه: معشوق / نگار: معشوق (۴ مورد)

۱۷۷ ۴ واژه‌ی «جام» در مصراع دوم، مجازاً به معنی «شراب» به کار رفته است.

۱۷۸ ۲ ایران (مجاز) ← مردم ایران (حقیقت) (علاقه و پیوند: به کار بردن کل به جای جزء)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) چشم (مجاز) ← شاعر (حقیقت) (علاقه و پیوند: به کار بردن جزء به جای کل)

(۳) بیت (مجاز) ← شعر (حقیقت) (علاقه و پیوند: به کار بردن جزء به جای کل)

(۴) الحمد (مجاز) ← سوره‌ی فاتحه (حقیقت) (علاقه و پیوند: به کار بردن جزء به جای کل)

۱۷۹ ۲ وزن گزینه‌ی (۲): فعلاتن فعلاتن فعَلُنْ

وزن سایر گزینه‌ها: مفتعلن مفتعلن فاعلن

۱۸۰ ۱ وزن گزینه‌ی (۱): مستعلن مستعلن مستعلن مستف (فع‌ان)

وزن مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: مستعلن مستعلن مستفعلن فع

زبان عربی (اختصاصی)

درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا واژگان یا مفهوم مشخص کن (۱۸۵-۱۸۱):

۱۸۱ ۳ ترجمه کلمات مهم: عهد: قول داد، عهد بست / أن يلتزم: که پایبند باشد، که ملتزم باشد / لکي يتخلص: تا رها شود / أخذ يحدث: شروع کرد سخن بگوید / کاذب: نزدیک بود فراموش کند

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) سخن گفت ← شروع کرد سخن بگوید؛ ترکیب «أخذَ + فعل مضارع» این‌گونه ترجمه می‌شود ← «شروع کرد + مضارع التزامی»

(۲) دروغگو ← دروغ‌گویی؛ «کاذب» نکره است، و «تا»، هرگاه ← وقتی، شروع می‌کند ← شروع کرد؛ «أخذَ» فعل ماضی است، «کاذب» ترجمه نشده ← نزدیک بود، از یاد می‌برد ← از یاد ببرد، فراموش کند؛ ترکیب «کاذب + فعل مضارع» این‌گونه ترجمه می‌شود ← «نزدیک بود + مضارع التزامی»

(۴) عهد این بود ← عهد بست؛ «عهد» فعل ماضی است، خواست ← شروع کرد

۱۶۲ ۳ ردیف: نتوان رفت / واژگان قافیه: «تماشا» و «صحرا» / حرف اصلی: مصوّت بلند «ا» / قاعده: (۱)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ردیف: را / واژگان قافیه: «هجران» و «جان» / حروف اصلی: «ان» / قاعده: (۲) (مصوّت + صامت)

(۲) ردیف: - / واژگان قافیه: «گلاب» و «خراب» / حروف اصلی: «اب» / قاعده: (۲) (مصوّت + صامت)

(۴) ردیف: مانده است / واژگان قافیه: «بند» و «شگرخند» / حروف اصلی: «ند» / قاعده: (۲) (مصوّت + صامت + صامت)

۱۶۳ ۳ در این بیت، ردیف، بخشی از واژه‌ی قافیه را تشکیل می‌دهد. (مدا را)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ردیف: را / واژه‌های قافیه: «دعا» و «گدا» / حرف اصلی: مصوّت بلند «ا»

(۲) ردیف: را / واژه‌ی قافیه: «خدا» / حرف اصلی: مصوّت بلند «ا»

(۴) ردیف: را / واژه‌ی قافیه: «ما» / حرف اصلی: مصوّت بلند «ا»

۱۶۴ ۳ قافیه‌ی اصلی: یار و کار / قافیه‌ی دوم: بسیار و پیکار

۱۶۵ ۳ در مصراع سؤال، به تعداد هجاها مصوّت وجود دارد.

واج‌نویسی و هجاشماری مصراع:

ء / ا / ی / اس / ا / ر / ا / ب / ا / ن / ا / ه / ا / س / ا / ت / ا / ر / ا / ن / ک / ا / ر / ا / م / ا / ج / ا / ن / م / ا / م / ی / ا / ر / ا / و / ا / د / ا / ه / ا

۱۶۶ ۲ دستگاه، خاکسار: -U-U / عشق، خانه: -U / دلدار، بی‌باک: -U / پاکباز، روزگار: -U-U / آبیاری، دستیاری: -U--

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) عاشقانه (U-U) / درد (U-) / پایانه (U-) / دانشگاه (---U) / پاسداری (-U--)

(۳) استوانه (U-U) / زخم (U-) / آیینه (---U) / بادگیر (U-U) / جاویدانی (---)

(۴) زادگاه (U-U) / پنجه (U-) / پاییز (---U) / پاسباز (U--U) / آسمانی (-U--)

۱۶۷ ۲ گلی کز خاک من روید به گوش اهل دل گوید / که من بوی فلان دارم مبیویدم مبیویدم (۵ بار)

۱۶۸ ۲ فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی، از ویژگی‌های فکری سبک عراقی است.

۱۶۹ ۱ برخلاف آن‌چه در گزینه‌ی (۱) گفته شده، آوردن مترادفات و توصیف‌های فراوان (اطناب) از ویژگی‌های غالب نثر فارسی دوره‌ی دوم است.

۱۷۰ ۴ بیت‌های سؤال، مصداق رواج هجو و هزل در شعر سبک عراقی است.

۱۷۱ ۱ بیت‌های سؤال، بخشی‌ست از شعر معروف محتشم کاشانی درباره‌ی شهادت امام حسین (ع) که در قالب «ترکیب‌بند» سروده شده است.

۱۷۲ ۴ عبارت سؤال، معرّف بیدل دهلوی شاعر معروف سبک هندی در قرن یازدهم است.

۱۷۳ ۳ خلاق‌المعانی ثانی لقب کلیم کاشانی‌ست که در قرن یازدهم می‌زیسته است.



اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) من باب «تَفَعَّلَ» ← من باب «تفعیل»؛ «بَدَّلَ» فعل ماضی از مصدر «تبدیل» است.
- (۲) اسم الفاعل ← اسم التفضیل؛ «الأخری» بر وزن «فعلی» اسم تفضیل مؤنث است؛ مذکرش نیز «الأخر» بر وزن «أفعل» است (در اصل، «أأخر» بوده).
- (۳) مفرد مؤنث ← مفرد مذکر؛ «أبنیة» جمع «بناء» است که مذکر است. / مستثنی منه ← مستثنی؛ «أبنیة» بعد از «إلّا» مستثنی و «أبنیة» قبل از «إلّا» مستثنی منه است؛ یعنی دومی از اولی استثناء شده است.

■ پاسخ صحیح را در پاسخ به سوالات زیر مشخص کن (۱۹۰ - ۱۸۷):

- ۱۸۷ ۳ معادل للماضی الاستمراری ← معادل للماضی البسیط أو البعید (معادل با ماضی ساده یا ماضی بعید)؛ در «أَنْفَقْنَا مِنْ رِزْقِ أَرْزَقْنَا اللَّهُ» چون «أَنْفَقْنَا» در جمله اصلی ماضی است، فعل «أَرْزَقُ» در جمله وصفیه، به صورت ماضی ساده یا ماضی بعید ترجمه می‌شود.
- ترجمه: اتفاق کردیم از رزقی که خداوند به ما روزی داد (روزی داده بود) تا بر آن بیفزایم!

ترجمه سایر گزینه‌ها:

- (۱) حکیم، با مخاطب مخالفت نخواهد کرد قبل از این که سخنش را بشنود!
- (۲) هرگاه کاری انجام بدهی که به دیگران سود برساند، پاداشش را به زودی می‌بایی!
- (۴) کاری را تکرار نکردیم که نتیجه‌اش را دیده بودیم تا از پشیمانی دور شویم!

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) جمله «يَتَّقُونَ...» اسم نكرة «جماعة» را توصیف کرده که خبر «إِنَّ» و مرفوع است.

- ترجمه: همانا مؤمنان جماعتی هستند که از خدا پروا می‌کنند و همراه با راستگویان هستند!
- (۲) جمله «تَمَتَّنِي...» اسم نكرة «موعظة» را توصیف کرده که مفعول «طَلَبْتُ» و منصوب است.

- ترجمه: از فاضلی صالح، اندرزی خواستم که مرا از انجام گناهان بازدارد!
- (۳) جمله «تَدْرُسُ...» اسم نكرة «مقالات» را توصیف کرده که نائب فاعل «أَلْفَتُ» و مرفوع است.

- ترجمه: مقاله‌های متعددی نگاشته شده که کلمه‌های عربی‌شده را مطالعه می‌کنند!

- (۴) جمله «لَا أَنْسَاهُمْ...» اسم نكرة «أصدقاء» را توصیف کرده که اسم مؤخر برای «كَانَ» و مرفوع است.

- ترجمه: در روزهای کودکی ام دوستانی داشتم که هیچ‌گاه آن‌ها را فراموش نمی‌کردم!

- ۱۸۹ ۱ دقت کنید: «مستثنی منه» کلمه‌ای قبل از «إلّا» است که مستثنی از آن استثناء شده است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) «واحداً» از «الأولاد» استثناء شده که اسم «كَانَ» و مرفوع است. ترجمه: فرزندان کنار پدرشان نشسته بودند به‌جز یکی از آن‌ها.
- (۲) «جوزاً» از «فَسائل» استثناء شده که مفعول «عَرَسَ» و منصوب است. ترجمه: کشاورز نهال‌هایی را در مزرعه ما کاشت به‌جز گردو!
- (۳) «عقلاء» از «أقوام» استثناء شده که اسم «إِنَّ» و منصوب است. ترجمه: همانا قوم‌های پیامبران سخن ایشان را باور نکردند به‌جز عاقلان آن‌ها!
- (۴) «أصغر» از «أولاد» استثناء شده که اسم «كَانَ» و منصوب است. ترجمه: انگار فرزندان آمده‌اند به‌جز کوچک‌ترین‌شان!

- ۱۸۲ ۲ ترجمه کلمات مهم: لَا يَلْتَفِتُ: توجه نمی‌کند / الشَّباب: جوانی / مَنْ لَهُ عَقْلٌ: کسی که عقل دارد، کسی که خرد دارد / لَا عَاقِلٌ: هیچ عاقلی، هیچ خردمندی («لا»ی نفی جنس + اسم) / تُكَرَّرُ: تکرار می‌کند / مِنْ جَدِيدٍ: از نو، دوباره

نکته: در جمله استثناء وقتی مستثنی منه قبل از «إلّا» ذکر نشده باشد، «فعل منفی + إلّا» را می‌توان این‌گونه ترجمه کرد ← «فقط + فعل مثبت».

لَا يَلْتَفِتُ إِلَّا مَنْ ← توجه نمی‌کند به‌جز کسی که = فقط کسی توجه می‌کند که

نکته: «الشباب» می‌تواند مصدر به معنای «جوانی» باشد، در این صورت اسم مفرد است؛ هم‌چنین می‌تواند جمع «الشباب» به معنای «جوانان» باشد، در این صورت جمع مکسر است. فرق این دو را باید در جمله تشخیص داد.

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) جوانان (← جوانی؛ چون در ادامه جمله در «تکرره» ضمیر مفرد «ه» آمده که به «الشباب» برمی‌گردد، بنابراین «الشباب» مفرد است و به معنای «جوانی»، آن‌ها (← آن؛ ضمیر در «تکرره» مفرد است).
- (۳) جوانان (← جوانی)، تکرار می‌شود (← آن را تکرار می‌کند)
- (۴) توجه نمی‌کند (← توجه می‌کند؛ وقتی کلمه «فقط» آمده، باید فعل منفی به صورت مثبت ترجمه شود)، عقل ندارد (← عقل دارد)، عاقلی (← هیچ عاقلی؛ در ترجمه «لا»ی نفی جنس باید از «هیچ» استفاده کرد)، نیست که بیندار (← نمی‌پندارد)

- ۱۸۳ ۴ شنیدی (← می‌شنوی؛ «تَسْمَعُ» فعل مضارع است).

- ۱۸۴ ۳ «أُرْسِلْتُ» ماضی مجهول به معنای «فرستاده شدم» است و با «يُعْتَشُّ» مترادف است که آن هم ماضی مجهول و به همان معناست، نه با «بَعَثْتُ» که فعل معلوم است و به معنای «فرستادم».

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) يَغْفِرُ: می‌آمرزد = يُسَامِحُ: می‌بخشد، درمی‌گذرد
- (۲) لَا تَيْأَسُ: ناامید نباش ≠ لَا تَأْمَلُ: امیدوار نباش
- (۴) يَفْقَهُ: دانش می‌آموزد، یعنی از نادانی رها می‌کند

- ۱۸۵ ۲ ترجمه عبارت سؤال: «سخن، سخن را می‌کشد!» (حرف، حرف می‌آورد!)

این ضرب‌المثل را وقتی می‌گویند که کسی هنگام سخن گفتن، از موضوعی به موضوع دیگری بپرد؛ چون موضوع اول، موضوع دوم را به یادش می‌آورد!

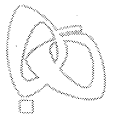
ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) چه‌بسا سخنی که جنگ‌ها برانگیزد! یعنی خیلی حرف‌ها هستند که جنگ به راه می‌اندازند. این ربطی به عبارت سؤال ندارد.
- (۲) «سخن، شاخه‌هایی دارد!» یعنی هر سخنی شاخه‌ها و شعبه‌های متعددی دارد که می‌توان از یکی به دیگری رفت! پس مفهوم این جمله به مفهوم ضرب‌المثلی که در سؤال آمده نزدیک است.
- (۳) «هر سخنی گوینده‌ای دارد!» یعنی هر حرفی از جانب کسی زده شده و باید دید چه کسی آن را گفته! این ربطی به مفهوم عبارت سؤال ندارد.
- (۴) «هر سخنی وقت خود را دارد!» یعنی هر حرفی را باید در زمان مناسب زد! این با مفهوم عبارت سؤال فرق دارد.

■ پاسخ صحیح را در تحلیل صرفی و محل اعرابی مشخص کن:

- ۱۸۶ ۴ ترجمه عبارت سؤال: ایرانی‌ها ساخت‌های کلماتی را که از

زبان‌های دیگر گرفته‌اند تغییر داده‌اند، به‌جز ساخت‌هایی را که صداهایشان با زبان آن‌ها متناسب است! در گزینه (۴) «تَتَنَاسَبُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از مصدر «تناسب» در باب «تفاعل» است که در جمله مذکور، بعد از اسم نكرة «أبنيّة» آمده و آن را توصیف کرده، پس جمله وصفیه است؛ فاعلش نیز اسم ظاهر «أصوات» است.



۱۹۰ ۲ **دقت کنید:** اگر مستثنی‌منه قبل از «إِلَّا» حذف شده باشد، جمله قبل از «إِلَّا» ناقص است.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) در «مَا كَانَ هَدَفٌ بَعَثَ النَّبِيُّ (ص)» خبر «كَانَ» وجود ندارد؛ پس مستثنی‌منه حذف شده است.

ترجمه: هدف بعثت پیامبر (ص) نبود به‌جز آموزش دادن به مردم!
(۲) «لَا نَعْرِفُ رَجُلًا تَسْتَمِرُّ أَعْمَالَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ» که قبل از «إِلَّا» آمده یک جمله کامل است، پس مستثنی‌منه حذف نشده؛ در واقع «رَجُلًا» مستثنی‌منه است که «الْمُحْسِنِ» از آن استثناء شده است.

ترجمه: مردی را نمی‌شناسیم که کارهایش بعد از مرگ ادامه یابد به‌جز نیکوکار!
(۳) در «لَا يَنْتَفِعُ مِنَ الْعِلْمِ التَّافِعَةُ» فاعل «لَا يَنْتَفِعُ» وجود ندارد؛ پس مستثنی‌منه حذف شده است.

ترجمه: از دانش‌های سودمند بهره نمی‌برد به‌جز دانشمند کوشا!
(۴) در «لَيْسَ الْمُسْتَقْبَلُ» خبر «لَيْسَ» وجود ندارد؛ پس مستثنی‌منه حذف شده است.

ترجمه: آینده نیست به‌جز آن‌چه که کارهای ما امروز آن را می‌سازد!

تاریخ

۱۹۱ ۱ وقتی جنگ جهانی دوم درگرفت، دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد. در آن زمان، کشور ما روابط بازرگانی گسترده‌ای با آلمان داشت و تعداد زیادی از کارشناسان (تکنسین‌های) آلمانی در ایران مشغول کار بودند. تلاش‌های انگلستان برای جلوگیری از داد و ستد آلمان با کشورهای بی‌طرف، اعتراض حکومت رضاشاه را برانگیخت و باعث شد که ایران از طریق شوروی به تجارت با آلمان ادامه دهد.

۱۹۲ ۲ جامعه‌ی ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. حضور نداشتن برخی از کشورها در این نهاد بین‌المللی، نقش مهمی در ناکامی آن داشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعه‌ی ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد. شوروی نیز عضو این نهاد جهانی نشد. آلمان و ژاپن هم که عضویت داشتند، با خروج از آن موجب بی‌اعتباری بیشتر جامعه‌ی ملل شدند.

۱۹۳ ۳ گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) از ویژگی‌های حکومت موسولینی هستند، اما حمایت مالی آمریکا مربوط به دولت آلمان پس از جنگ جهانی اول است، نه ایتالیا.

۱۹۴ ۳ حکومت استالین در عرصه‌ی خارجی به دنبال گسترش مرزها و تسلط بر برخی کشورها و سرزمین‌های اروپای شرقی بود. با وجود بی‌اعتمادی و دشمنی‌ای که میان شوروی و آلمان وجود داشت، دو کشور با یک‌دیگر پیمان عدم تجاوز امضا کردند (۱۹۳۹م).

۱۹۵ ۴ در فاصله‌ی دو جنگ جهانی، نظامیان هدایت سیاست داخلی و خارجی ژاپن را در اختیار گرفتند و آن را به سمت و سوی توسعه‌طلبی نظامی سوق دادند. هم‌چنین، به کشورهای همسایه از جمله چین لشکرکشی کردند، از جامعه‌ی ملل خارج شدند و به همراه آلمان و ایتالیا کشورهای محور را شکل دادند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مربوط به کشور چین پس از جنگ جهانی دوم است.

(۲) از تحولات ژاپن پس از جنگ جهانی دوم است.

(۳) مربوط به قرن ۱۹م است.

۱۹۶ ۴ پس از خودکشی هیتلر و به زانو درآمدن نازی‌ها، جنگ با ژاپن ادامه یافت. در حالی‌که نشانه‌های شکست و تسلیم شدن ژاپنی‌ها آشکار شده بود، هواپیماهای آمریکایی دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را با بمب‌های اتمی ویران کردند و جنگ جهانی دوم با این حادثه‌ی وحشتناک به پایان رسید.

۱۹۷ ۲ بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، بر پایه‌ی توافق‌هایی که از پیش میان سران متفقین (آمریکا، انگلستان و شوروی) صورت گرفته بود، شوروی تسلط سیاسی - نظامی خود را بر اروپای شرقی اعمال کرد.

۱۹۸ ۴ جنگ با انگلستان در جبهه‌ی غرب، هیتلر را واداشت که جبهه‌ی دیگری در شرق بگشاید. از این‌رو، ارتش نازی با نادیده گرفتن پیمان عدم تجاوز به شوروی، برق‌آسا به خاک این کشور، که تا آن زمان در جنگ بی‌طرف مانده بود، هجوم برد (ژوئن ۱۹۴۱). ارتش استالین که غافلگیر شده بود، ضربات و تلفات سنگینی را متحمل شد و آلمانی‌ها تا نزدیکی مسکو پیش رفتند، اما روس‌ها به خود آمدند و سرسختانه در برابر آلمانی‌ها مقاومت کردند. آنان با بهره‌گیری از سرمای زودهنگام زمستان و کمک‌های تدارکاتی و تسلیحاتی انگلستان و آمریکا که از طریق خاک ایران به آن‌ها می‌رسید، پیشروی نیروهای آلمانی را متوقف و حملات متقابل خود را آغاز کردند. در نتیجه‌ی ایستادگی روس‌ها، ارتش هیتلر از حالت تهاجمی خارج شد و موضع دفاعی گرفت.

۱۹۹ ۳ جنگ جهانی دوم مهلک‌ترین و مخرب‌ترین رویداد در تاریخ بشر است. حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر انسان بر اثر این جنگ کشته شدند. تلفات روسیه و آلمان در این جنگ بیش از سایر کشورها بود.

۲۰۰ ۱ در دوران قیمومیت انگلستان بر فلسطین در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، یهودیان بیش‌تری به این کشور مهاجرت کردند.

۲۰۱ ۳ داریوش بزرگ پس از فرونشاندن شورش‌های داخلی و برقراری آرامش و امنیت در سرتاسر شاهنشاهی هخامنشی، به شرق لشکرکشی کرد و قسمت‌هایی از غرب و شمال غرب هند را به قلمرو خود افزود. او هم‌چنین به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.

۲۰۲ ۴ اگرچه هخامنشیان از لشکرکشی به یونان، موفقیت نظامی چندانی به دست نیاوردند، اما دولت - شهرهای یونانی تا زمان تسلط مقدونیان بر آن کشور، هم‌چنان حکومت ایران را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهانی می‌شناختند و به آن احترام می‌گذاشتند. حکومت هخامنشی نیز نقش فعالی را در روابط دولت - شهرهای یونانی، به خصوص در جریان جنگ‌های پلوپونزی ایفا کرد.

۲۰۳ ۴ پارسی‌ها، هم‌زمان با قدرت یافتن مادی‌ها، در قسمت‌های جنوبی فلات ایران، یعنی سرزمین پارس (استان فارس کنونی) و نواحی مجاور آن مستقر بودند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در آن زمان شاخه‌ای از خاندان هخامنشی، در فارس به مرکزیت شهر آنتشان (آنزان)، حکومت محلی کوچکی تشکیل داده بودند.

(۲) حکومت ماد، قوم بزرگ پارس را تحت فرمان خود درآورد (نه برعکس).

(۳) این گزینه مربوط به اواخر حکومت مادها است، نه هم‌زمان با قدرت یافتن آنان.



۲۱۵ ۳ بابر، یکی از شاهزادگان تیموری، حکومتی را در هند بنیان

گذاشت که به «گورکانیان هند» یا «مغولان کبیر» معروف شد.

۲۱۶ ۱ در دوره تیموری، مصور کردن کتاب‌های گوناگون از نجوم

گرفته تا شاهنامه و دیوان‌های شعر به لحاظ کمی و کیفی افزایش پیدا کرد ← نشان می‌دهد که میزان و کیفیت تولید کتاب‌های مصور در دوره تیموری، بیش‌تر از دوره قبل (ایلخانی) بوده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) تیمور گرچه در کشتار مردم دست کمی از مغولان نداشت، اما در ویرانگری به پای آنان نمی‌رسید.

۳) در عصر تیموری، شعر و شاعری رواج بیش‌تری یافت.

۴) در دوره ایلخانی، خراسان کاملاً ویران شده بود و مرکز سیاسی و هنری، در غرب ایران بود.

۲۱۷ ۲ یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل

توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی‌ای که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به تصوف و رفتن به درون خانقاه‌ها داشت.

۲۱۸ ۴ در اوایل دوران مغول‌ها (دوره نامسلمانی مغولان در اوایل

حکومت آنان بود)، به دلایل مختلفی هم‌چون گرایش اشرافیت نظامی مغول به بی‌نظمی و زیاده‌طلبی، بی‌توجهی حاکمان مغولی به قوانین اسلامی ← نشانه‌ی دیگری از وقوع این اتفاق در دوره نامسلمانی، و بیگانگی آنان با سنت‌های ایرانی، نظام مالیاتی به هم ریخت و انواع و اقسام مالیات‌ها که شمار آن‌ها به ده‌ها مورد می‌رسد، رواج یافت.

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) همگی مربوط به دوره مسلمانی مغولان می‌باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) پس از استقرار حکومت ایلخانی و در پی تلاش‌های دیوان‌سالاران و فرهیختگان ایرانی برای مهار رفتار غیرمردنی مغول‌ها، به تدریج شهر و شهرنشینی رونق یافت. این روند، پس از مسلمان شدن مغول‌ها و اصلاحاتی که توسط ایلخان‌ها برای بازسازی ویرانی‌ها انجام شد، سرعت بیش‌تری گرفت و شهرک‌ها و شهرهای جدیدی مانند شهرک رشیدیه و ربع (ایوان، عمارت) رشیدی، شام (شعب) غازان و شهر سلطانیه، پایتخت آخرین ایلخانان ساخته شدند.

۲) پس از مسلمان شدن مغول‌ها، یاسا و سنت‌های مغولی تا حد زیادی از رونق افتاد.

۳) بخش عمده‌ای از اصلاحات غازان خان (حکومت غازان خان آغاز دوره مسلمانی مغولان است)، از جمله اصلاح قوانین مالیاتی، بازسازی قنات‌ها و شبکه‌های آبیاری و اصلاح نظام زمین‌داری، به منظور پیشرفت و رونق فعالیت‌های بخش کشاورزی انجام گرفت.

۲۱۹ ۳ مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول (۷۳۶ق)، آغازگر چهار

دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسبی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بود که تا زمان قدرت‌گیری تیمور ادامه یافت. در این دوره، علاوه بر خانزادگانی از خاندان چنگیز و سرداران مغول که بر سر کسب قدرت رقابت و درگیری داشتند، چندین حکومت محلی غیرمغولی نیز در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند. حکومت‌های شیعه‌مذهب سربداران و سادات مرعشی‌مازندران و سلسله‌ی آل مظفر از جمله‌ی آن‌ها بودند.

۲۰۴ ۳ بنیان‌گذار این سلسله، ارشک، از قبیله‌ی پرنی یا اپرنی در شرق

ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در ناحیه‌ای در حوالی قوچان امروزی شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) درباره‌ی «کل پادشاهی اشکانی» صحیح است، نه زمان بنیان‌گذار آن.

۲) جانشینان ارشک، به احترام وی، عنوان ارشک را به نام خود افزودند و بدین ترتیب این سلسله ارشکانیان و بعداً اشکانیان نامیده شد.

۴) مربوط به مهرداد یکم است.

۲۰۵ ۲ سلوکوس ابتدا شهری را که به نام او سلوکیه نامیده شد و در

ساحل غربی رود دجله قرار داشت، به عنوان پایتخت برگزید، اما چند سال بعد، پایتخت خود را به شهر انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد.

۲۰۶ ۲ اردشیر بابکان در آغاز کار با مشکلات متعدد داخلی روبه‌رو شد.

بسیاری از حاکمان محلی که نمی‌خواستند استقلال نسبی خود را از دست بدهند، با حکومت جدید به مخالفت برخاستند. اردشیر بسیاری از مخالفان را با جنگ بر سر جای خود نشانده و برخی دیگر را با نامه‌نگاری و ارائه‌ی دلیل‌های گوناگون با خود همراه کرد.

۲۰۷ ۱ در آثار و متون دینی و حقوقی مربوط به دوره ساسانی و

قرون نخستین اسلامی، مطالب و گزارش‌هایی وجود دارد که دلالت بر حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان در آن دوران می‌نماید.

۲۰۸ ۲ خسرو انوشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال

حبشیان که از سوی امپراطوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می‌شدند، نجات داد و باب‌المندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.

۲۰۹ ۴ نظام طبقاتی جامعه‌ی ایران در عصر ساسانی تحت تأثیر دو

عامل گسترش یافت و تثبیت شد. عامل اول، تأسیس حکومت مرکزی قدرتمندی بود که خاندان ساسانی با توسعه‌ی تشکیلات اداری و دیوانی به وجود آوردند. عامل دوم، رسمیت یافتن دین زرتشتی و افزایش نفوذ و اختیارات موبدان بود.

۲۱۰ ۱ در زمان داریوش اول، حکومت هخامنشی به نهایت گسترش

خود رسید و این پادشاه هوشمند و لایق، برای سامان دادن امور و اداره‌ی بهتر قلمرو پهناور تحت فرمان خود، نظام اداری منظم و کارآمدی را پدید آورد. از این‌رو، وی به عنوان بنیان‌گذار و طراح اصلی نظام سیاسی - اداری حکومت هخامنشیان شناخته می‌شود.

۲۱۱ ۲ جورج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی را بزرگ‌ترین پزشک اسلام و

قرون وسطا شمرده است. رساله‌ی آبله و سرخک (الجدری و الحصبه) او حاوی کهن‌ترین توصیف درباره‌ی بیماری آبله است و اثری ارزشمند در علم پزشکی به شمار می‌رود.

۲۱۲ ۳ بسیاری از سلسله‌هایی که روی کار آمدند، بدون اجازه و تأیید

خلیفه قدرت را به دست گرفتند. یعقوب لیث صفاری، بنیان‌گذار حکومت صفاریان، حسن بن زید، مؤسس حکومت علویان طبرستان و مرداویج برپاکننده‌ی سلسله‌ی زیاریان و پسران بویه که سلسله‌ی آل بویه را بنیان نهادند، از آن جمله بودند.

۲۱۳ ۱ هم محمود و هم مسعود غزنوی، به هند لشکرکشی کردند.

۲۱۴ ۴ پس از نبرد ملازگرد در زمان آل‌بارسلان، قلمرو سلجوقیان از

رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوران اسلامی بود.

در دوران سلطنت ملکشاه، بیش‌تر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت سلطان سلجوقی گردن نهادند.

**۲ ۲۳۱ بررسی عبارتهای نادرست:**

(الف) در ایران بیش تر بارش ها در اواخر فصل پاییز تا اوایل فصل بهار رخ می دهد.

(ب) با توجه به ناهمواری ها و جهت آن ها، هر چه از غرب به سمت شرق کشور برویم، مقدار آب رودها کم تر می شود.

(د) رودهایی که از کوهستان های بلند و برفگیر تغذیه می شوند، دائمی هستند.

(۲ ۲۳۲) به محدوده ای که با توجه به شکل زمین و شیب ناهمواری ها، آب های جاری را به سوی پایین ترین نقطه ای آن هدایت کند، حوضه ی آبریز می گویند.

(۴ ۲۳۳) رود ولگا (الف) و اورال از سمت شمال و رود اتراک (ب) و گرگان از سمت شرق به دریای خزر می ریزند.

(۴ ۲۳۴) دریای خزر از دو چاله تشکیل شده و دنباله ی رشته کوه های قفقاز، آن را به دو بخش تقسیم کرده است.

(۴ ۲۳۵) آلمان، مکزیک، چین و فرانسه ← کم ترین رشد طبیعی جمعیت

لیبی و نیجریه ← بیش ترین رشد طبیعی جمعیت

(۳ ۲۳۶)

$$\frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت همان سال}} \times 1000 = \text{میزان رشد طبیعی جمعیت}$$

$$x = \frac{700,000 - 100,000}{60,000,000} \times 1000 \Rightarrow \frac{600,000}{60,000,000} \times 1000 = 1$$

$$\frac{70}{1} \Rightarrow \frac{70}{1} = 70 = \text{مدت دو برابر شدن جمعیت سال}$$

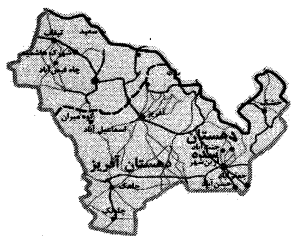
(۱ ۲۳۷) به غیر از تهران استان خراسان رضوی بیش ترین مهاجرفرستی و مهاجرپذیری را دارد.

(۱ ۲۳۸) شاه عباس برای حفظ مرزهای شمالی ایران، تعدادی از قبایل کرد را به نواحی شمال شرقی ایران فرستاد.

(۱ ۲۳۹) سرزمین - حوزه - قسوق - رستاک ← ساسانیان

ایالت - ولایت - بلوک - قصبه ← زندیه، افشاریه و صفویه

(۳ ۲۴۰)



بخش سده

(۴ ۲۴۱) در بین زبان های خانواده ی آفرو - آسیایی، معروف ترین و مهم ترین آن ها زبان عربی است که در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا بدان تکلم می کنند.

(۴ ۲۴۲) آمریکای شمالی دارای قلمرو فرهنگی غربی - اروپایی می باشد.

(۱ ۲۴۳) کشور کانادا، انگلیسی زبان است؛ اما در ایالت کبک، بیش تر جمعیت به زبان فرانسوی صحبت می کنند.

(۴ ۲۲۰) حکومت سلجوقیان به دنبال مرگ وزیر و پادشاه قدرتمند خود،

یعنی خواجه نظام الملک و ملک شاه، در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت و جانشینی دچار ضعف شد. هم چنین هجوم اقوام مهاجمی همچون قراخانیان و غزها، منجر به از دست رفتن ماوراءالنهر و وارد آمدن آسیب ها و خسارت های فراوان به شهرها و روستاهای خراسان و دیگر مناطق ایران شد. به دنبال این حوادث، قلمرو سلجوقی در ایران بین امیران مختلف تقسیم شد و رقابت و کشمکش بر سر قدرت، حکومت سلجوقی را بیش از پیش تضعیف کرد. علاوه بر عوامل فوق، مبارزات اسماعیلیان در ایران و نیز قدرت گرفتن اتابکان در نواحی زیر سلطه ی سلجوقیان نیز در ضعف و زوال این حکومت مؤثر بودند.

یادآور: مورد «د» مربوط به دلایل نارضایتی مردم از مسعود غزنوی است.

جغرافیا

(۳ ۲۲۱) معنای اصطلاح (UTC)، ساعت هماهنگ جهانی است.

(۴ ۲۲۲) با توجه به حرکت زمین از غرب به شرق، مناطقی که در غرب قرار دارند، دیرتر در مقابل خورشید قرار می گیرند و اذان مغرب آنان دیرتر است. در بین این چهار شهر، ارومیه غربی ترین است.

(۱ ۲۲۳) ۱۸ عصر ← شهر تهران ۱۲:۳۰ و ساعت بمبئی نسبت به تهران ۵:۳۰+ است، زیرا خورشید از شرق طلوع می کند.

۱ ساعت → ۱۵ درجه

۸۲/۵ = ۵:۳۰+

عصر ۱۸ = ۵:۳۰+ ۱۲:۳۰

(۲ ۲۲۴) ساعت تهران نسبت به گرینویچ ۳:۳۰+ است، بنابراین در شهر تهران ساعت ۱۵:۳۰ است.

(۲ ۲۲۵) ساعت بمبئی نسبت به گرینویچ ۵:۳۰+ ساعت است پس در گرینویچ ۱۰ صبح است. ساعت سنت جان کانادا نسبت به گرینویچ لندن ۴- ساعت است که می شود ۶ صبح.

$$\begin{array}{r} 10 \\ - 4 \\ \hline 6 \text{ صبح} \end{array} \quad \begin{array}{r} 15 : 30 \\ - 5 : 30 \\ \hline 10 : 00 \text{ ساعت گرینویچ} \end{array}$$

(۲ ۲۲۶) براساس خط فرضی روز گردان، نصف النهار ۱۸۰ درجه است، در این خط فرضی شروع نصف النهار از صفر تا ۱۸۰ درجه ی غربی و صفر تا ۱۸۰ درجه ی شرقی است.

(۴ ۲۲۷) خط فرضی روز گردان، به قاره ی آسیا و آمریکا نزدیک است.

(۱ ۲۲۸)

$$12 = (3-) 45 \text{ درجه ی غربی (شهر دهلی) } + 15 \text{ (ساعت داکا)}$$

$$17 = (2+) 30 \text{ درجه ی شرقی (شهر توکیو) } + 15 \text{ (ساعت داکا)}$$

۱ ۲۲۹ بررسی عبارتهای نادرست:

(ب) این سامانه توسط کشور آمریکا طراحی شده است.

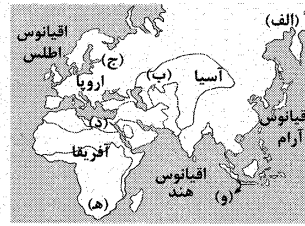
(ج) این سامانه ابتدا برای مقاصد نظامی طراحی شده بود.

(۱ ۲۲۰) پاریس ← ۴۵ درجه ی غربی ← ۳- ← ۱۷

پکن ← ۶۰ درجه ی شرقی ← ۴+ ← ۲۴



۲۴۴ | ۱ در قسمت‌های «ب»، «د» و «و» اسلام گسترش پیدا کرده است.



۲۴۵ | ۲ الف) منابع و مواد اولیه در کارخانه‌ها تغییر شکل می‌دهند. ←
نوع دوم (صنعت)

ب) استخراج معدن، صید ماهی و زراعت ← نوع اول (کشاورزی)
ج) با استخراج و به دست آوردن مواد خام یا محصول از زمین سرورکار دارد.
← نوع اول (کشاورزی)
د) فعالیت‌هایی که در فرآیند آن‌ها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود. ← نوع سوم (خدمات)

۲۴۶ | ۳ مزارع محصولات خاص نواحی گرم و مرطوب استوایی (پلانتیشن) در کشورهای مجاور استوا در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی قرار دارند.

۲۴۷ | ۲ بررسی عبارت‌هاک نادرست:
الف) نواحی صنعتی اروپا در شمال کشور ایتالیا، انگلستان، فرانسه و ناحیه‌ی رور در کشور آلمان قرار دارند.
ب) نواحی صنعتی روسیه و اروپای شرقی در مسکو، قفقاز، ولگا، جمهوری چک و لهستان هستند.
ج) ژاپن از مهم‌ترین نواحی صنعتی در شرق، جنوب و جنوب شرقی آسیا است و در کشور هند، بمبئی و کلکته از نواحی صنعتی مهم هستند و هم‌چنین چین در دو دهه‌ی اخیر در زمینه‌ی صنعت به رشد قابل توجهی دست یافته است و به یک قدرت صنعتی جهان تبدیل شده است.

۲۴۸ | ۲ کشور لیبی نفت خام، نفت تصفیه‌شده، نفت گاز، کودهای نیتروژنه و طلا صادر می‌کند.

۲۴۹ | ۳ آسه‌آن ← در جنوب شرقی آسیا ← الف
اِکو ← در غرب آسیا ← ب

۲۵۰ | ۱ کشورهای نیمه‌پیرامون از نظر اقتصادی از کشورهای پیرامون قوی‌ترند، اما هنوز از نظر قدرت اقتصادی به کشورهای مرکز نرسیده‌اند.

جامعه‌شناسی

۲۵۱ | ۴ برخی نابرابری‌ها مانند نابرابری در تحصیلات و ثروت اجتماعی‌اند، یعنی در جامعه ایجاد می‌شوند.

برخی تفاوت‌ها، تفاوت‌های اسمی نامیده می‌شوند و نمی‌توان افراد را براساس این تفاوت‌ها رتبه‌بندی کرد. زن و مرد از نظر جنسیت با هم متفاوت‌اند، اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند.

برخی تفاوت‌ها مانند تفاوت در قد و هوش، تفاوت‌های رتبه‌ای نامیده می‌شوند و می‌توان افراد را براساس این تفاوت‌ها رتبه‌بندی کرد.

۲۵۲ | ۲ میزان تلاش افراد یا موقعیت خانواده‌ای که در آن متولد شده‌اند، آن‌ها را از نظر رتبه نابرابر می‌سازد.

برخی تفاوت‌ها اسمی‌اند و نمی‌توان افراد را براساس آن‌ها رتبه‌بندی کرد مثل تفاوت جنسیت و رنگ پوست.

۲۵۳ | ۱ از نظر اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی بودند، برای ایجاد برابری باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.

در دیدگاه جامعه‌شناسانی که طرفدار قشربندی اجتماعی بودند، در نظام فئودالی دهقانان شبیه برده بودند، مالک چیزی نبودند و به فئودال تعلق داشتند.

طرفداران عدالت اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی بودند، عقیده داشتند دولت باید برای حمایت از اقشار کم‌درآمد، آن‌ها را زیر چتر حمایت بیمه‌های تأمین اجتماعی قرار دهد.

۲۵۴ | ۳ با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه‌ی رقابت از بین می‌رود. طرفداران قشربندی با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع را در پدید آمدن و ادامه یافتن آن نادیده می‌گیرند.

در رویکرد عادلانه، جامعه وظیفه دارد نقطه‌ی شروع رقابت را یکسان نماید. بدین منظور دولت موظف است نیازهای ضروری همه‌ی افراد را تأمین کند.

۲۵۵ | ۲ از نظر مخالفان قشربندی اجتماعی، قشربندی اجتماعی توسط انسان پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست آن‌هاست. آن‌ها گمان می‌کنند اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه‌ی پایین نخواهیم داشت. برای مثال در جوامع سوسیالیستی، مالکیت خصوصی وسایل تولید وجود نداشت.

در رویکرد عادلانه، دولت تلاش می‌کند برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی تدابیر بیش‌تری بیندیشد، مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند. دولت به نمایندگی از جامعه موظف است نیازهای ضروری همه‌ی افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. مالیات‌ابزری برای کاهش فاصله‌ی طبقاتی است.

جامعه‌شناسان موافق قشربندی اجتماعی معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است، یعنی پدیده‌ای است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. برای مثال تمام کرسی‌های مجلس سنای آمریکا در اختیار مردان میانسال است که هرچه سالخورده‌تر می‌شوند، قدرتمندتر می‌شوند.

۲۵۶ | ۱ بررسی عبارت نادرست:

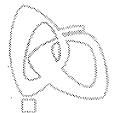
ب) در رویکرد عادلانه مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود، اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه‌ی شروع رقابت را یکسان نماید.

۲۵۷ | ۳ در رویکرد کمونیستی نقطه‌ی شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود، اما به دلیل این‌که انگیزه‌ی رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

طرح خانه‌سازی عمومی برای اقشار کم‌درآمد برزیل مورد موافقت طرفداران عدالت اجتماعی است.

جریمه و بازداشت زن سیاه‌پوست آمریکایی که جایش را به مرد سفیدپوست نداد، به رویکرد طرفداران نابرابری اجتماعی برمی‌گردد. (لیبرالی)

۲۵۸ | ۴ به نظریه‌ی کسانی که قشربندی اجتماعی را جهانی و ضروری می‌دانند (طرفداران قشربندی)، انتقاداتی وارد شده است. برای مثال لازم نیست همیشه برای تشویق مردم به بر عهده گرفتن نقش‌های بلندپایه، حتماً به آن‌ها قدرت، درآمد و احترام بدهیم. گاهی آدم‌ها به دلیل رضایت از انجام کار خوب یا به خاطر خدمت به دیگران نیز به ایفای نقش‌های مهم و پرزحمت ترغیب می‌شوند.



۲۵۹ ۲ جامعه‌شناسان انتقادی به این نکته توجه داشتند که فاصله‌ی میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری درباره‌ی ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشانند.

۲۶۰ ۳ در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم مسئله‌ی قشربندی اجتماعی در جهان متجدد، چالش فقر و غنا را به وجود آورد.

طرفداران و مخالفان قشربندی اجتماعی درگیر منازعه‌ی فقر و غنا شدند. با افول رویکرد پوزیتیویستی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، ظرفیت انتقاد از قشربندی اجتماعی به وجود آمد و به شکل‌گیری جامعه‌شناسی انتقادی انجامید.

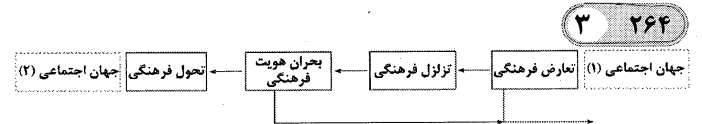
۲۶۱ ۳ هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی، خانوادگی، شغلی و ... متناسب با خود را به وجود می‌آورد.

۲۶۲ ۳ تعاریف ذکرشده به ترتیب مربوط به تزلزل فرهنگی، بحران هویت و علل درونی تحولات فرهنگی می‌باشند.

۲۶۳ ۱ اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کهنوت و مرگ می‌شود.

جهان اجتماعی‌ای که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند و از پرسش‌های افراد درباره‌ی معنای زندگی و مرگ غافل شود، نشاط زندگی را از دست می‌دهد.

کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره‌ی بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرامی‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.



۲۶۵ ۲ بررسی عبارت نادرست:

(د) برخی تغییرات که در جهان اجتماعی رخ می‌دهد، درون یک جهان اجتماعی است و جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل نمی‌کند.

۲۶۶ ۲ جهان اجتماعی که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود.

۲۶۷ ۳ جامعه‌ای که دچار خودباختگی فرهنگی می‌شود، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش فرامی‌گیرد.

غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب است. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خود و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌داند.

جهان اجتماعی مشرکانه‌ی اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.

۲۶۸ ۲ در جهان اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته است، تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرابی از حقیقت است.

جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به از خودبیگانگی تاریخی گرفتار می‌شوند.

قرآن کریم فراموش کردن خدا را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

۲۶۹ ۳ بررسی عبارت نادرست:

(ج) در مواردی ممکن است انسان نیز با خودش بیگانه شود که به آن از خودبیگانگی می‌گویند.

۲۷۰ ۴ اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان اجتماعی دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

۲۷۱ ۲ چالش‌های جهانی در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند، بلکه همگی از عمق فرهنگ غرب برمی‌خیزند. علت این چالش‌ها درونی است، نه بیرونی که فرهنگ غرب بتواند آن را به دیگران نسبت دهد؛ از این رو وقتی آثار چنین چالش‌هایی در سطح جهان آشکار می‌شود، فرهنگ‌های دیگر نباید برای مهار آن‌ها همان راهی را بروند که جهان غرب می‌رود.

۲۷۲ ۱ جامعه‌شناسی قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت هستی می‌دانست و آگاهی‌های دیگر را غیرعلمی می‌خواند و براساس همین باور نیز حضور استعماری غرب در دیگر جوامع را برای خود و دیگران توصیه می‌کرد.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و هم‌چنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

۲۷۳ ۳ در فرهنگ غرب برای پاسخ به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند.

سال‌های پایانی قرن بیستم شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بود که این موج نشانه‌ی بحران معنویت در فرهنگ غرب است.

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید.

۲۷۴ ۱ فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی و مرگ آرمان‌ها و امیدها رسید.

گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید و مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.

۲۷۵ ۳ بررسی عبارت نادرست:
متفکران پسامدرن از اصول جهان مدرن عبور کرده‌اند و به فراسوی آن راه برده‌اند و در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند.

۲۷۶ ۲ ویژگی‌های مطرح‌شده در صورت سؤال به ترتیب مربوط به نخستین بیدارگران اسلامی، حاکمان سکولار کشورهای مسلمان و روشنفکران چپ غرب‌گرا می‌باشد.

۲۷۷ ۱ دولت‌های کشورهای مسلمان به میزان دوری از سنن دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیش‌تری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.

منورالفکران غرب‌گرا با حمایت دولت‌های استعمارگر غربی از موفقیت حرکت‌ها و جنبش‌هایی که در مقابله با غرب به وجود می‌آمد، جلوگیری کردند. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول به دلیل گریز آنان از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام‌ستیزی آن‌ها نیست، بلکه به این دلیل است که کشورهای مسلمان خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را داشتند.

۲۷۸ ۳ منورالفکران در ایران اومانیسیم را به آدمیت ترجمه می‌کردند.

ناسیونالیسم اندیشه‌ی سیاسی قوم‌گرایانه‌ی غرب متجدد بود. متن مربوط به ویژگی روشنفکران التقاطی چپ می‌باشد.

منورالفکران غرب‌گرا بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند.



۲۹۲ ۳ اگر حد وسط در هر دو مقدمه موضوع باشد، آن قیاس شکل سوم است.

۲۹۳ ۳ اولین قدم برای کشف مجهول (رسیدن به نتیجه) یافتن حد وسط است که به آن قدرت انسان در یافتن هوش می‌گویند.

۲۹۴ ۳ بعضی د الف است. هر الف ب است ← بعضی د ب است (+) ← تناقض: هیچ د ب نیست (-). عکس مستوی: بعضی ب د است (+).

۲۹۵ ۱ مقدمه‌ی اول قیاس استثنایی حتماً یکی از دو نوع شرطی است (متصل و منفصل).

۲۹۶ ۳ نتیجه‌ی شکل سوم همیشه جزئی است، حتی با مقدمات کلی

۲۹۷ ۳ منطق دانان با وساطت قیاس بدیهی ضرب اول شکل اول، بقیه‌ی حالت‌ها را بررسی کرده‌اند و در صورتی‌که با این ضرب هماهنگ شدند، آن‌ها را نیز نتیجه‌بخش می‌دانند. آن‌ها مطابق همین روش ضروب مختلف را بررسی کرده‌اند و شرایط نتیجه‌دهی شکل‌های مختلف قیاس را به‌دست آورده‌اند (استقرای تام).

۲۹۸ ۱ قیاس اقرتانی از لحاظ جایگاه حد وسط، چهار حالت پیدا می‌کند که به هر حالت یک شکل می‌گویند.

۲۹۹ ۲

هر غیر الف غیر ب است.

هر غیر ب غیر ج است. شکل اول

هر غیر الف غیر ج است. منتج

۳۰۰ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ و ۳ در شکل سوم، حد وسط در هر دو مقدمه باید موضوع باشد. (۴ چون صغرا جزئی است، باید کبرا کلی باشد تا قیاس نتیجه دهد.

۳۰۱ ۲ از نظر ارسطو علل چهارگانه یا درونی‌اند یا بیرونی.

علل درونی علت‌های مادی و صوری‌اند.

علل بیرونی علت‌های فاعلی و غایی‌اند.

۳۰۲ ۲ علت در معنای سوم شکل یا صورتی است که از ماهیت و نوع یک پدیده حکایت می‌کند، این علت را علت صوری گویند.

۳۰۳ ۲ «بدو چیزی به فعل آید»: در این سخن بهمینار به علت صوری اشاره می‌کند که از علل درونی هرگونه تغییر و شدن است.

۳۰۴ ۲ در پیدایش جنین انسان پدر و مادر جزء علل اربعه نیستند، چون پیدایش جنین یک تغییر طبیعی است و در آن همه‌ی علل اربعه با مفهوم طبیعت شیء تبیین می‌شوند.

۳۰۵ ۳ ارسطو و پیروانش یک نوع علت فاعلی درونی به عنوان مبدأ حرکت و سکون در خود اجسام در نظر می‌گیرند و آن را طبیعت جسم می‌نامند.

۳۰۶ ۳ صورت و ماده به هم تبدیل نمی‌شوند، بلکه نسبت به هم در نظر گرفته می‌شوند.

۳۰۷ ۲ آرد نسبت به نان، ماده و نسبت به گندم، صورت است.

۳۰۸ ۴ شناخت یادآوری آن چیزی است که در عالم مثل دیده‌ایم، نه آنچه در زندگی آموخته‌ایم.

۲۷۹ ۴ جریان‌های فکری و اجتماعی متفاوت در جهان اسلام، قومیت‌های مختلف را در حاشیه‌ی امت اسلامی به رسمیت می‌شناختند.

۲۸۰ ۲ بررسی عبارت‌های نادرست:

(ج) از دیدگاه منورالفکران غرب‌گرا راه نجات جوامع اسلامی تقلید از فرنگیان بود. (د) اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی هدفی بود که بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا به دنبال آن بودند.

فلسفه و منطق

۲۸۱ ۳ فیلسوف می‌خواهد جهان را فهم کند؛ یعنی تصویری جامع و صحیح از جهان به دست بیاورد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) هدف عارف

(۲) هدف متکلم

(۴) روش فیلسوف

۲۸۲ ۳ کلام شیعه با خواجه نصیرالدین طوسی به اوج رسید و بیش‌تر رنگ فلسفی به خود گرفت.

۲۸۳ ۲ مبادی عقلی حکمای مشاء و متکلمان یکسان نیست.

۲۸۴ ۳ چهار جریان فکری در جهان اسلام رشد و نمو یافتند و هر یک به کمال خویش رسیدند و در نهایت در یک نقطه (حکمت صدرایی) در هم مستهلک شدند.

۲۸۵ ۲ حسن و قبح عقلی افعال، یعنی افعال ذاتاً خوب یا بد هستند و خدا هم از آن‌ها تبعیت می‌کند (ذاتی برای ذات علت نمی‌خواهد).

۲۸۶ ۳ در سفر سوم (من الحق الی الخلق بالحق) بحث افعال باری، یعنی صدور موجودات (خلقت) مطرح و تبیین می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) اگر عقل به درستی حرکت نکند، به نتیجه‌ی خلاف دین منتهی می‌شود.

(۳) بحثی از شهود در عقل و دین در فلسفه‌ی ملاصدرا مطرح نیست.

(۴) متکلمان وظیفه‌ی عقل را دفاع از حقانیت دین می‌دانند.

۲۸۸ ۲ نبوغ و ابتکار ملاصدرا در این است که سه طریق برهان عقلی، شهود قلبی و وحی قرآنی را با هم ترکیب می‌کند و شیوه‌ای یگانه در تحقیق فلسفی به‌وجود می‌آورد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در این گزینه بحثی از معارف دینی نشده است.

(۲) فلسفه‌ی ملاصدرا فلسفه‌ای التقاطی نیست که در آن شیوه‌های گوناگون فکری به هم آمیخته شده باشند.

(۳) هیچ‌یک از روش‌های مورد استفاده در حکمت صدرایی بر دیگری تقدم ندارد (تنها به این نکته باید توجه کرد که همه‌ی روش‌ها باید با دین منطبق باشند).

۲۹۰ ۲ سفر سوم، من الحق الی الخلق بالحق: در این مرحله سالک به سوی خلق و میان مردم باز می‌گردد، اما این بازگشت به منزله‌ی جدا شدن و دور شدن از ذات حق نیست؛ بلکه او ذات حق را با همه‌چیز و در همه‌چیز می‌بیند.

۲۹۱ ۱ واسطه همان حد وسط است که در مقدمات قیاس حاضر است و در نتیجه حذف می‌شود.



۳۱۸ ۲ ویژگی‌های افراد مبتلا به درماندگی آموخته شده:

- ← به این باور می‌رسند که هیچ کاری از من ساخته نیست.
- ← فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد.
- ← به موجودی بی‌تحرک و خنثی تبدیل می‌شود.
- ← احساس می‌کند کنترل اوضاع از دستش خارج شده است.
- ← کوشش را با پیشرفت مرتبط نمی‌داند.
- ← فکر می‌کند هر کاری انجام دهد، به موفقیت نمی‌رسد.
- ← پیامدهای رفتار را مستقل از خود رفتار می‌داند.

۳۱۹ ۱ اغلب افراد در شکست، دیگران را مقصر می‌دانند و در موفقیت،

خود را عامل پیروزی می‌دانند. اما ← در گزینه‌ی (۱)، فرد خودش را باعث شکست خود می‌داند، زیرا می‌گوید زمان زیادی را به درس خواندن اختصاص نداده است (یعنی اسناد تلاش). در سایر گزینه‌ها، فرد دیگران را عامل شکست خود می‌داند (یعنی اسناد دشواری تکلیف).

۳۲۰ ۲ ادراک کنترل دربر گیرنده‌ی تحت اختیار بودن، مطابق نظر

بودن و توانایی در دور کردن پیامدهای ناگوار است. فقط گزینه‌ی (۲) اشاره به ادراک کنترل دارد، زیرا مطابق با نظر معلم رفتار کردن و اختیار کلاس را برعهده داشتن، نشان‌دهنده‌ی ادراک کنترل معلم بر شرایط محیط است.

سایر گزینه‌ها به ادراک کارایی و عدم کارایی فرد اشاره دارند. **توجه:** لازم به ذکر است مفاهیم ادراک کارایی و کنترل، بسیار به هم نزدیک بوده و اغلب هر دو آن‌ها با هم یافت می‌شوند، اما در این سؤال نظر کتاب را آورده‌ایم که بین این دو تمایز گذاشته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ادراک عدم کارایی ← احساس نداشتن توانایی لازم
(۳) ادراک کارایی (مطلوب)

(۴) ادراک عدم کارایی ← احساس نداشتن توانایی لازم

(در اغلب موارد احساس کنترل و کارایی جنبه‌ی ذهنی دارد و فرد در ذهن خود می‌پندارد که احساس کنترل و کارایی مناسب ندارد، در حالی که ممکن است در عمل این‌گونه نباشد).

۳۰۹ ۳ نفس بر اثر تربیت می‌تواند از بدن جدا شود و در عالم مثل به تماشای حقایق بنشیند.

۳۱۰ ۱ منطق ارسطو، منطق صوری است، چون صورت‌ها و ساختارهای اندیشه و فکر و ذهن انسان را تحلیل می‌کند.

روان‌شناسی

۳۱۱ ۴ این گزینه نشان‌دهنده‌ی انگیزه‌ی درونی است؛ فرد کاری را که انجام می‌دهد (تمیز کردن خانه) به دلیل لذت در خود تکلیف است، یعنی به دلیل علاقه‌ی شخصی این کار را انجام می‌دهد و به دنبال دریافت پاداش بیرونی نیست. اما سایر گزینه‌ها نشان‌دهنده‌ی انگیزش بیرونی هستند، زیرا افراد به دلیل پاداش و لذت خارجی دست به انجام عملی می‌زنند (شاگرد اول شدن، عضو تیم مدرسه شدن و افزایش حقوق).

۳۱۲ ۳ گاهی افراد برای رفع حالت ناهماهنگی شناختی و احساس آرامش فکری، ارتباط بین دو شناخت متناقض را انکار می‌کنند که این انکار عقلی نیست؛ مانند گزینه‌ی (۳) که در آن فرد به دلیل ورزش نکردن، رابطه‌ی سلامتی و ورزش را انکار می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) تغییر رفتار
- (۲) تغییر نگرش
- (۴) تغییر رفتار

۳۱۳ ۲ اسناد به عواملی نظیر توانایی و استعداد (گزینه‌های (۱) و (۴)) و دشواری تکلیف (گزینه‌ی (۳)) نشان‌دهنده‌ی اسناد به عوامل غیرقابل کنترل هستند. اما در گزینه‌ی (۲) فرد شکست خود را به عدم برنامه‌ریزی مناسب نسبت داده است که قابل کنترل است.

۳۱۴ ۳ جست‌وجوی علت رفتار، در واقع به معنای توجه به عوامل انگیزشی آن رفتار است. عوامل شکل‌دهنده‌ی نگرش متنوع است

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در بررسی چرایی رفتار گاه به عواملی توجه می‌شود که فراتر از نیازهای زیستی و مادی انسان است.
(۴) انسان و حیوان در پاسخ به نیازهای زیستی، عوامل انگیزشی مشترکی دارند.

۳۱۵ ۱ پایدار ← استعداد - توانایی - دشواری تکلیف

درونی ← تلاش - استعداد و توانایی (درونی بودن اسناد استعداد و توانایی در کتاب ذکر نشده است اما این‌ها نیز درونی هستند، زیرا به خصوصیات شخصی و فردی افراد مربوط می‌شوند).

ناپایدار ← تلاش و برنامه‌ریزی (زیرا تحت اختیار افراد است).

۳۱۶ ۳ عوامل شکل‌دهنده‌ی باورهای غلط عبارت‌اند از:

عوامل فردی ← احساس ناامیدی، گزینه‌ی (۱)، احساس ناتوانی (گزینه‌ی (۲)) و احساس بی‌ارزشی، گزینه‌ی (۴).

عوامل بیرونی ← تحقیر دیگران، عدم حمایت اجتماعی ^{بنابراین} ← گزینه‌ی (۳) به عوامل اجتماعی و بیرونی ایجاد باورهای غلط اشاره کرده است، یعنی عدم حمایت کشورهای غربی باعث شرایط بد اقتصادی حاضر شده است.

۳۱۷ ۴ نگرش‌ها پس از شکل‌گیری، از ثبات بیش‌تری برخوردار شده و تابع اصل هماهنگی شناختی هستند، یعنی در برابر تغییر مقاومت می‌کنند.